

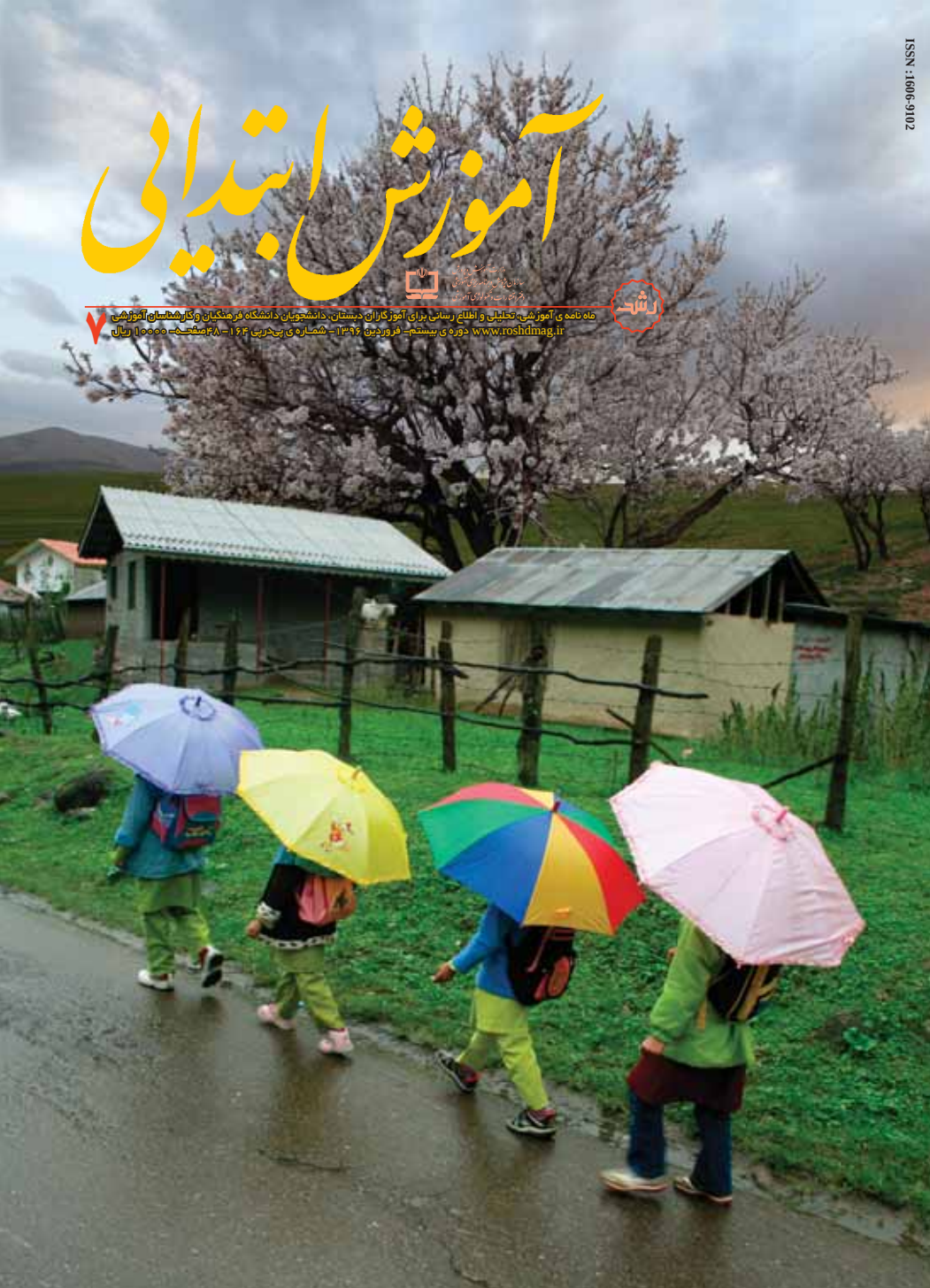
آموزش ابتدایی



پایه هفتم
سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷
فروردین ۱۳۹۷



ماهنامه‌ی آموزش، تعلیم و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارکنان آموزش
www.roshdmag.ir دوره‌ی بیست و هفتم - فروردین ۱۳۹۷ - شماره‌ی پیاپی ۱۶۴ - صفحه ۱۰۰۰۰ ریال



مسابقه‌ی
شماره‌ی ۷

تلنگری برای تفکر

مهلت ارسال پاسخ‌ها: سی و یک اردیبهشت ۱۳۹۶



درباره‌ی نقش و جایگاه تکلیف شب در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی بر این باورند که تکلیف شب جز افزودن تکلیف و بار اضافه، ثمره‌ای برای دانش‌آموزان نخواهد داشت و عده‌ای دیگر اعتقاد دارند که این امر به تعمیق و توسعه‌ی یادگیری دانش‌آموزان منجر می‌شود. آن‌چه در این میان مهم است چگونگی تدوین فعالیت‌ها و تکالیف و شیوه‌ی اجرای آن‌هاست. به‌نظر شما:

رعایت چه ملاحظاتی می‌تواند تکلیف شب را به یک فرصت مناسب جهت تعمیق یادگیری دانش‌آموزان مبدل سازد؟

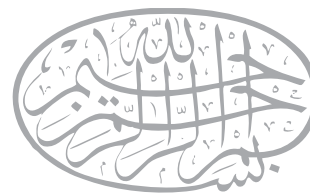
صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵-۳۳۳۱

ایمیل مجله ebtedayi@roshdmag.ir

آموزش ابتدایی

رشد

ماه نامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه
www.roshdmag.ir فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره ی بیستم- فروردین ۱۳۹۶ - شماره پذیرپی ۱۶۴ - ۴۸ صفحه- ۱۰۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت افست

مدیر مسئول: محمد ناصری
سرمدیر: علیرضا متولی
شورای برنامه ریزی:
فاطمه رمضان، سیده زهرا یاسینی،
یدالله رهبری نژاد، صادق صادق پور
مدیر داخلی: مریم موسوی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: پریسا شندسی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۴۲۹)
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir
وبگاه: www.roshdmag.ir
roshdmag:
پيام‌نگار: ebtedayi@roshdmag.ir
تلفن پیام گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۰۹
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵ / ۱۱۱
تلفن بازرگانی:
۰۲۱ - ۸۸۸۶۳۰۸
شمارگان: ۲۸۰۰۰

سرمقاله - حالی به حالی شدن / ۲

تقویم ماه - ۳

در ساحل قرآن - هفت شب و هشت روز / ناصر نادری / ۴

تجربه - خاطره - از معلمان / ۲۸

مقاله - رویکردهای جدید آموزش در کلاسهای چندپایه / رضا نادریان / ۶

- معلمان در کلاسهای چندپایه چگونه تدریس می کنند؟ / مرضیه کهنند / ۱۰

- فرهنگ کلاس درس / دکتر ابوالفضل بختیاری / ۱۶

- آیا انجام تکلیف شب به عملکرد درسی بهتر می انجامد؟ / دکتر زهرا بازرگان / ۲۴

گفت و گو - مدرسه ی چندپایه، خوب یا بد؟ / زهرا صنعتگران / ۱۳

گزارش - جوگیوکن کیو / امیرمحمد حسینی / ۱۸

- گزارشی از پنجمین همایش درس پژوهی دوره ی ابتدایی استان همدان / احمد قره خانی / ۲۲

- مدرسه ی بدون استرس / صغری حق دوست / ۳۶

معرفی کتاب / درس پژوهی گام به گام / مریم موسوی / ۲۱

دوره ی - روزی که شاگردتان از این خاطرات تعریف می کند... / زهرا صنعتگران / ۲۳

تجربه های آموزشی / نوآوری های یک معلم در آموزش املا و ریاضی / عذرا قدبیگی / ۳۲

- باهم قصه بسازیم / مجید راستی / ۴۰

ادبیات و هنر

وضو در حوض مثنوی / مهری ماهوتی / ۴۲

لطیفه های عبید زاکانی / علیرضا لبش / ۴۳

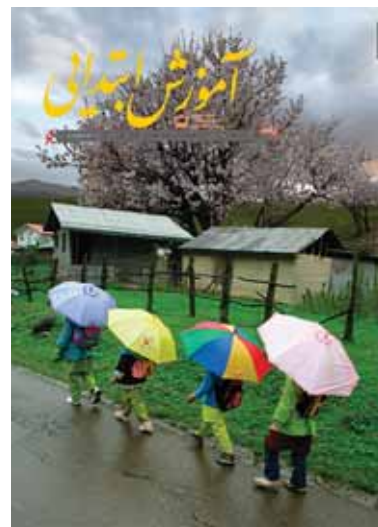
داستان - هم کلاسی / مجید عمیق / ۳۸

فیلم و سینما - معرفی فیلم / بهترین باش! / مهران نعمت اللهی / بن بست مدرسه / مهدی ولیزاده / ۴۴

همراهان ما / ۴۶

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. ● چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. ● مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی CD یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه ها) از متن استخراج و روی صفحه ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود. ● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست. ● علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم تری که در صفحه ی ۴۶ و ۴۷ درج شده، توجه فرمایید.



رضا گلچین کوهی - شهرستان تالش

حالی به حالی شدن

دوستی می گفت، در یکی از سال ها بر خودم واجب کردم دعای تحویل سال را تا پایان سال، در هر نماز و هر التماس دعایی که می شنوم، بخوانم؛ هم برای خودم می خواندم و هم برای دیگران. گاهی وقتی به فراز «یا محول الحول و الاحوال» می رسیدم، حالم دگرگون می شد و احساس می کردم دارم وسیع می شوم. در این هنگامه، فراز پایانی دعا انگار خورشیدی بود که از سرزمین وسیع دلم طلوع می کرد و همه وجودم را در برمی گرفت! این دعا شاید یکی از بهترین دعاهایی باشد که کوتاه و مختصر اما پر از معنای دل انگیز است!

بیایید امتحان کنیم و مانند دوست قدیمی من این دعا را همیشگی کنیم؛ چراکه نوروز فقط یک نشانه است؛ نشانه ای برای تمرین همیشه نو بودن و همیشه تحول را از خدای متعال درخواست کردن؛ خدای متعالی که منقلب کننده ی قلب ها و نگاه هاست. تدبیر کننده ی تاریکی و روشنی است. چنین خدایی است که می تواند ما را از حالی به حالی دیگر ببرد، قلبی با نگاهی مهربان به ما بدهد که بتوانیم تفاوت ها را ببینیم و نقشه ی تحول را در زندگی خود طراحی کنیم.

بخشی از حرفه ی معلم آموزش درس هاست. اما آنچه به معلمی بها می دهد، تحولی است که او در جان خود و دانش آموزانش ایجاد می کند. و معلم تحول نیافته چگونه می تواند دانش آموزش را از حالی به حال دیگر ببرد؟

پس در آغاز سال، تحول قلبی و درونی را از خدا بخواهیم و این درخواست را به همه ی عمر خود تعمیم بدهیم. اجازه بدهیم خدا با همه ی وسعتش وارد قلب ما شود و همان جا ماندگار شود تا نگاهمان مهربان و کلاممان لطیف و درسمان درس محبت شود. از صمیم قلب سال نو را از طرف خودم و همه ی همکاران نشریات رشد، به همه ی شما معلمان عاشق تبریک می گویم.

علیرضا متولی



۲ فروردین: هجوم مأموران ستم‌شاهی پهلوی به مدرسه فیضیه قم (۱۳۴۲ ه. ش)
آغاز عملیات فتح‌المبین (۱۳۶۱ ه. ش)



۱۱ فروردین: (۳ رجب)
شهادت امام علی‌النقی (ع) (۲۵۴ ه. ق)



۱۲ فروردین:
روز جمهوری اسلامی ایران



۱۳ فروردین: روز طبیعت



۱۸ فروردین: (۱۰ رجب) ولادت امام محمدتقی (ع)
(۱۹۵ ه. ق)



۱۹ فروردین: شهادت آیت‌اله
سید محمدباقر صدر و خواهر
گرامی‌اش (بنت‌الهدی)
(۱۳۵۹ ه. ش)



۲۰ فروردین: روز ملی فناوری هسته‌ای
سالروز شهادت مرتضی‌آوینی
(۱۳۷۲ ه. ش)



۲۱ فروردین: ولادت امام علی (ع) و روز پدر



۲۱ فروردین: شهادت شهید علی صیاد
شیرازی (۱۳۷۸ ه. ش)



۲۳ فروردین:
وفات حضرت زینب (س) (۶۲ ه. ق)



۲۵ فروردین: روز بزرگداشت عطارنیشابوری



۲۹ فروردین:
روز ارتش جمهوری اسلامی ایران

۱۹ نکته‌ی تربیتی از
داستان زندگی حضرت
هود علیه‌السلام

هفت شب و هفت روز

ناصر نادری
تصویرگر: نسیم نوروزی

اشاره

در قرآن کریم به روشنی و چندین بار بیان شده است که حضرت هود علیه السلام، پیامبر قوم عاد بوده است. قوم عاد مردم نیرومند و متنعمی بودند که در جنوب عربستان زندگی می کردند. باغ ها و چشمه سارها و چارپایان زیادی داشتند. کاخ های باشکوه ساخته بودند و شهرشان «ارم» را به زیبایی آراسته بودند. نام هود ده بار در قرآن ذکر شده است و سوره ی یازدهم قرآن نیز «هود» نام دارد. حضرت هود علیه السلام را در شمار چهار پیامبر عرب یعنی پیامبر اسلام (ص)، شعیب، صالح و هود دانسته اند. در این شماره، نوزده نکته ی تربیتی را از گوشه هایی از داستان زندگی حضرت هود علیه السلام در قرآن کریم بیان کرده ایم.

فرازهای مهم زندگی حضرت هود علیه السلام

۱ مبعوث شدن هود به رسالت در بین قوم عاد
 ۲ بی‌خرد و دروغگو دانستن هود توسط بزرگان قوم
 ۳ نصیحت کردن هود و اصرار بزرگان قوم به پرستش بت‌ها
 ۴ نزول عذاب و نابودی بزرگان قوم و نجات هود و یارانش
 ۵ اتهام بزرگان قوم به هود به دلیل نیاوردن دلیل روشن برای رسالتش
 ۶ نزول عذاب به شکل بادی شوم و سوزان به قوم عاد و ادامه یافتن عذاب به مدت هفت شب و هشت روز

پیام‌های پروردگار

«(هود گفت: [من پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امین هستم]» (اعراف/۶۸)

□ سخن پیامبران از سوی خداست و از خود چیزی نمی‌گویند (من پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم).

□ دلسوزی و راست‌گویی، دو شرط اصلی در تبلیغ است. (خیرخواهی امین هستم)

□ ستایش از خود، اگر سازنده‌ی دیگران باشد، مانعی ندارد. (خیرخواهی امین هستم)

رمز رستگاری

«[خداوند فرمود:] به یاد آورید آن زمان را که شما را جانسپین قوم نوح ساخت و به جسم فزونی داد. پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید. باشد که رستگار شوید.» (اعراف/۶۹)

□ توانایی جسمانی از نعمت‌های خداست که باید در راه درست صرف شود. (و به جسم فزونی داد. پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید)

□ یاد نعمت‌های خدا، رمز رستگاری است (باشد که رستگار شوید)

سر لوحه‌ی دعوت

«[خداوند فرمود:] و بر قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم. گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که شما را جز او خدایی نیست، و چرا نمی‌پرهیزید؟» [اعراف/۶۵]

- سر لوحهٔ دعوت و برنامه‌ی پیامبران، توحید است. (خدا را بپرستید)
- پیامبران، مردمی‌ترین و دلسوزترین رهبران بوده‌اند. (برادرشان هود را فرستادیم. گفت: ای قوم من!)
- تبلیغ‌کنندگان باید نسبت به مخاطبان همچون برادرشان باشند. (برادرشان هود را فرستادیم)

ای قوم من

«[در پاسخ دعوت هود] سران کافر از قوم او گفتند: (ما قطعاً تو را در بی خردی می بینیم و جداً تو را از دروغگویان می پنداریم. [هود در پاسخ] گفت: (ای قوم من! در من بی خردی نیست، اما من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم)» [اعراف/ ۶۶ و ۶۷]

□ پیامبران با بدترین مخالفت ها و سخت ترین تهمت ها روبه رو بودند. (تو را در بی خردی می بینیم و جداً تو را از دروغگویان می پنداریم)
□ سعه ی صدر و بزرگواری پیامبران باعث می شود تا آن ها با همه جسارت ها، با ادب سخن بگویند. (ای قوم من!)
□ از خویشستن، نفی تهمت کنید، اما تهمت را به دیگران سوق ندهید (در من بی خردی نیست)

خدای یگانه

«[قوم عاد به هود] گفتند: (آیا به سوی ما آمده ای که خدای یگانه را بپرستیم و آنچه پدران ما می پرستیدند رها کنیم؟ اگر راست می گویی، پس آنچه را به ما وعده می دهی بیاور.)» [اعراف/ ۷۰]

□ استفاده از تعصب به جای منطق، اشتباه است و پیروی نادان از نادان هم پذیرفتنی نیست. (آنچه پدران ما می پرستیدند رها کنیم؟)
□ حفظ آداب و رسوم نیاکان، همه جا ارزشمند نیست. (آنچه پدران ما می پرستیدند رها کنیم؟)
□ تعصب و تقلید کورکورانه مانع شناخت حقیقت می شود. (آنچه پدران ما می پرستیدند رها کنیم؟)

سنگ و چوب

«[هود با دیدن سرسختی قوم عاد] گفت: (پلیدی و خشم و عقوبتی از سوی پروردگارتان بر شما حتمی شد. آیا با من درباره ی نام هایی جدل و گفت و گو می کنید که شما و نیاکان تان بر آن ها نهاده اید؟ خداوند نسبت به معبودهای شما هیچ برهان و دلیلی نازل نکرده است. پس منتظر [قهر خدا] باشید. من هم با شما از منتظرانم.)» [اعراف/ ۷۱]

□ نتیجه ی لجاجت با حق، کيفر خداست. (پلیدی و خشم و عقوبتی از سوی پروردگارتان بر شما حتمی شد)
□ سنگ و چوب با نامگذاری «خدا»، خدا نمی شود. (آیا با من درباره ی نام هایی جدل و گفت و گو می کنید که شما و نیاکانتان بر آن ها نهاده اید؟)
□ پیامبران به درستی هدف و پیروزی خود اطمینان داشتند. (پس منتظر [قهر خدا] باشید)

آیه های ما

پس هود و همراهان او را با لطف و رحمت خود نجات دادیم، و کسانی را که آیه های ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند، ریشه کن ساختیم. [اعراف: ۷۲]

□ تاریخ منبع عبرت پذیری است. (... ریشه کن ساختیم)
□ طرفداران پیامبران، مشمول رحمت و نجات الهی هستند. (... با لطف و رحمت خود نجات دادیم)





رویکردهای جدید آموزش در کلاس‌های چند پایه

رضا نادریان

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش

راهنمای آموزشی و تربیتی کلاس‌های چند پایه‌ی شهرستان شهرضا و مدرس دانشگاه فرهنگیان

را با ویژگی‌های کلاس چندپایه متناسب ساخته و فضای آموزشی را متناسب با تنوع و نیاز هم‌زمان دانش‌آموزان چندپایه در یک کلاس آماده کرده است، به تدریس اثربخش می‌پردازد. کلاس چندپایه، همان کلاس عادی در یک پایهی تحصیلی نیست، بلکه واقعیتی است که در آن معلم باید خود را از کلاس‌های تک‌پایه رها و آزاد کند؛ نه آنکه در آن محو شود و پوشیده بماند. باید بتواند آموزش را با شرایطی که منحصر به خود است، در دست بگیرد. باید برنامه‌ای را به اجرا درآورد که با شرایط این کلاس و دانش‌آموزانش سازگار است. البته می‌تواند در کنار آن، از تجربه‌ها و برنامه‌های کلاس تک‌پایه به‌عنوان پشتوانه‌های علمی به نفع کلاس سود ببرد.

کلاس‌های چندپایه قدمتی به طول آغاز تعلیم و تربیت در مکتب‌خانه‌ها دارند که در آن دانش‌آموزان از ۶ سالگی تا ۵۰ سالگی و از هر سطح، زیر نظر یک فرد آموزش و تعلیم می‌دیدند. گروهی در حال فرا گرفتن قرآن بودند، گروهی در حال آموختن گلستان سعدی و... قدمت آموزش را در این‌گونه مراکز در ایران، در محدوده‌ی سال‌های ۲۵۰ تا ۲۵۶ هجری شمسی می‌دانند. در حال حاضر، برای مناطق کم‌جمعیت و همچنین روستاهای دور دست، مدرسه‌ی چندپایه یک واقعیت آموزشی مناسب است. پس به همین دلیل، ضروری است مدرسه‌ی چندپایه را به‌طور خاص ببینیم: زیرا در مدرسه‌ی چندپایه، معلمی با مهارت حرفه‌ای و توانایی خاص، با وجود برنامه‌های آموزشی خاص که محتوای آموزشی

نسل امروز در مسیر تندباد تحول علوم، آماج اطلاعات متعدد قرار گرفته و نیازمند یاری است و باید بتواند به‌طور مؤثر از دانش خود بهره‌برد تا پویا باشد و در عرصه‌ی دگرگونی‌های جهانی در تنگنا قرار نگیرد، چرا که امروزه آموختن چگونه دانستن، آموختن چگونه رفتار کردن، آموختن چگونه با دیگران زیستن و آموختن چگونه بودن چهارستون اصلی آموزش است.

شیوه‌های آموزش در کلاس چندپایه

از شیوه‌های آموزش در کلاس چندپایه که کاربرد مؤثری در تدریس دارند، می‌توان به شیوه‌های تدریس محوری، گروهی و ترکیبی اشاره کرد. اما در رویکردهای جدید می‌توان از شیوه‌های نوینی هم نام برد که اثربخشی آن‌ها بسیار مطلوب است. یکی از این شیوه‌ها «تلفیقی» نام دارد.

اکنون دیدگاه‌ها نسبت به آموزش دگرگون شده‌اند. آموزش درواقع براینده تعامل فرد با محیط دائماً متغیر است و یادگیری مستلزم اندیشیدن و تعامل مداوم تئوری و عمل در کلاس درس و جامعه با سرعتی بیش از پیش است. ابتدایی نقطه‌ی شروع حرکتی مهم در زندگی افراد است و فراگیرندگان در حین آموزش باید درس‌ها را به‌صورت کاربردی و حتی در حالت طبیعی فراگیرند. وقتی فراگیرنده رابطه‌ی مفاهیم و مطالب درسی را با یکدیگر و کاربرد آن‌ها در زندگی متوجه نشود و لمس نکند، تمایل به ادامه‌ی آموزش ندارد. معلم نباید وقت خود را صرف موضوعات درسی، به خاطر خود آن موضوعات کند، بلکه باید روابط و تأثیر متقابل این

موضوعات، احتیاجات و استعدادهای شاگردان را در نظر داشته باشد. آموزش در دوره‌ی ابتدایی بیشتر متوجه مفاهیم عام و پایه در هریک از رشته‌های علمی است، لذا می‌توان برنامه‌های درسی را به‌صورت درهم‌تنیده و از پیوند زدن موضوعات درسی و با تأکید بر مهارت‌های اجتماعی و تربیتی تنظیم کرد. دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی مفاهیم را به‌صورت یکپارچه دریافت می‌کنند و قادر نیستند مفاهیم متفاوت را که به‌صورت مجزا از هم آموزش می‌بینند، به هم پیوند بزنند. به همین دلیل، در روند یادگیری با موانع بسیاری مواجه می‌شوند.

تلفیق علوم و متناسب ساختن آن‌ها با توانایی و علاقه‌ی دانش‌آموزان موجب تحقق یادگیری معنادار می‌شود. در برنامه‌های درسی که در آن‌ها موضوعات با یکدیگر تلفیق می‌شوند، مرزهای تلفیقی می‌توانند مرزهای قراردادی ایجاد شده در دانش بشری را از بین ببرند و وحدت لازم برای درک واقعی‌تر مسائل اجتماعی و انسانی را فراهم کنند.

دانش‌آموزان می‌توانند فارغ از محدودیت‌های موجود، به‌جای آنکه موضوعات را به‌طور مجزا از یکدیگر مطالعه کنند، به مطالعه‌ی همه‌جانبه و یکپارچه‌ی محیط پیرامون خود بپردازند. این روند، علاوه بر پیشرفت تحصیلی، علاقه‌ی دانش‌آموزان به درس و مسائل تربیتی را تقویت می‌کند و به معلمان امکان می‌دهد موضوعات درسی را با مسائل روزمره‌ی زندگی بیامیزند. از این طریق، آن‌ها مطالعه‌ی موضوعات درسی را امری بیهوده تلقی نمی‌کنند، بلکه قادرند آنچه را می‌آموزند، در عرصه‌ی عمل و زندگی خود نیز به کار گیرند.



بنابراین، شیوهی تلفیقی با فراوانی قابل قبولی در کلاس چندپایه قابل استفاده است. برنامه‌ی درسی تلفیقی را از نگاه متخصصان تعلیم و تربیت می‌توان به شیوه‌های زیر سازمان‌دهی کرد:

الف. چند رشته‌ای

در این شیوه، یک موضوع درسی به‌طور همه‌جانبه و در رشته‌های مجزا به‌طور مشترک بررسی و بر دیسپلین‌های جداگانه با مباحث مشابه تأکید می‌شود. مثلاً موضوع آشنایی با چرخه‌ی آب در طبیعت، در درس‌های علوم، زبان‌آموزی، ریاضی، هدیه‌های آسمان، هنر، تربیت‌بدنی و مهارت‌های زندگی بررسی می‌شود.

ب. میان رشته‌ای

در شیوه‌ی سازمان‌دهی بین‌رشته‌ای استقلال رشته از بین می‌رود و فراگیرنده با عبور از حد و مرز رشته‌های گوناگون و پشت سر گذاشتن محتوا و روش‌های مستقل، بر زمینه‌های مشترک بین مواد درسی گوناگون تأکید می‌کند و دو یا چند رشته را با هم ترکیب می‌کند. برای مثال، تصمیم‌گیری و حل مسئله، بدون توجه به رشته‌ی علمی، اصول مشابهی را در بر می‌گیرد. رویکرد میان‌رشته‌ای ضمن کاهش اهمیت محتوا، بر فراشناخت و آموزش چگونه یاد گرفتن تأکید دارد.

ج. فرارشته‌ای

در این شیوه مهم این است که چگونه می‌توان دانش‌آموزانی

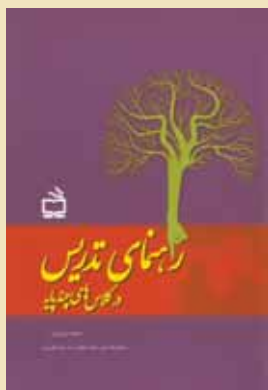
برای دستیابی به شیوه‌های مناسب به منظور تغییر و تحول، اجرای چنین امری ضروری به‌نظر می‌رسد، زیرا گامی مفید در راستای شناخت راهبردهای مؤثر پیشرفت فرایند یادگیری در مدارس چندپایه و کانون‌های آموزشی محسوب می‌شود و به شناسایی شیوه‌های به‌کارگیری این راهبردها می‌پردازد.

در روش آموزش تلفیقی، سخن از در هم آمیختن، تلفیق کردن و وحدت یادگیری است. شیوه‌ی آموزش تلفیقی، ربط دادن و در هم آمیختن محتوای برنامه‌ی درسی در راستای معنادار بودن مطلب در ارتباط با زندگی طبیعی، انسجام و پایدار بودن یادگیری دانش‌آموزان است و کودکان به‌طور یکپارچه در چارچوب مسائل پیچیده‌ی جهان واقعی قرار می‌گیرند. معلم هنگام تدریس در کلاس از شیوه‌های مشارکتی و کار گروهی استفاده می‌کند و دانش‌آموزان با استفاده از محیط غنی ایجاد شده در کلاس، دانش خود را می‌سازند و به‌کار می‌برند. همچنین، ترکیب موضوعات متعدد درسی با مسائل و پروژه‌ها در یک قالب، به‌منظور ایجاد یادگیری مداوم که به رشد قابلیت‌های مورد نیاز شهروندی در طول زندگی فرد منجر می‌شود؛ و همچنین مدیریت زمان آموزش که از مشکلات اصلی کلاس‌های چندپایه است، اتفاق می‌افتد.

شیوه‌های سازمان‌دهی محتوا

شیوه‌ی تلفیقی، به تدریس و یادگیری فراگیرندگان، به‌طور کل‌نگر می‌اندیشد و ترکیبی از موضوعات درسی است، نه یک ماده‌ی خاص درسی برای یک‌پایه در یک جلسه‌ی آموزشی.





نام کتاب: راهنمای تدریس
در کلاس‌های چندپایه
ترجمه و تدوین:
صلاح محمدپور، احمد
نظری‌سینا، سعید قریشی
ناشر: مؤسسه فرهنگی
مدرسه‌ی برهان (انتشارات مدرسه)
سال چاپ: اول ۱۳۹۴
قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

سهیلا امامی

کلاس‌های چندپایه کلاس‌هایی هستند که در مناطق روستایی و عشایری کم‌جمعیت و دورافتاده دایر می‌شوند و در آن‌ها دانش‌آموزانی با پایه‌ها و سنین متفاوت برای یادگیری گرد هم می‌آیند. با توجه به شرایط خاص محیطی و آموزشی این کلاس‌ها، معلمان کلاس‌های چندپایه باید به دانش و مهارت‌های لازم برای اداره‌ی این کلاس‌ها مجهز شوند. این کتاب ارزنده به معلمان کمک می‌کند نه تنها تدریس در این کلاس‌ها را به دیدی منفی ننگرند، بلکه از آن به عنوان چالش و فرصتی برای بالا بردن سطح کیفی تدریس استفاده کنند.

در این کتاب، تکیه‌ی اصلی بر روش‌های فعال تدریس است و نویسنده می‌کوشد با پیشنهاد راهکارهای عملی و کاربردی و آموزش مهارت‌ها و فنون خاص در اداره‌ی کلاس‌ها به معلمان کمک کند.

کتاب شامل پنج فصل است. نویسنده در فصل اول با عنوان «کلاس چندپایه چرا و چگونه»، به معلمان توصیه می‌کند ابتدا شناخت کاملی از کلاس چندپایه و دانش‌آموزان این کلاس‌ها پیدا کنند تا بتوانند با بهره بردن از تفاوت‌های میان دانش‌آموزان، ضعف‌ها را به فرصت تبدیل کنند.

در فصل دوم، نویسنده «تکنیک‌ها و راهکارهایی» را برای اداره‌ی کلاس‌های چندپایه ارائه می‌دهد. درک موقعیت و بافت کلاس، آماده‌سازی و سازمان‌دهی فضای فیزیکی کلاس، گروه‌بندی دانش‌آموزان و سازمان‌دهی گروه‌ها و فعالیت‌ها، مسئولیت‌بخشی و بهره‌گیری از ویژگی‌های اختصاصی هر دانش‌آموز از جمله راهکارهای عملی این موضوع هستند.

فصل سوم شامل یک «راهنمای کامل تدریس مؤثر در کلاس‌های چندپایه» است. در این بخش، چندین طرح درس به عنوان نمونه ارائه شده‌اند.

در فصل چهارم، نویسنده «انواع ارزیابی‌ها و روش‌ها» را برای ارزیابی عملکرد یادگیری و تدریس در کلاس‌های چندپایه ارائه می‌دهد و با رسم نمودارهایی، فرایند چرخه‌ای ارزیابی‌ها را، پیش و پس از تدریس، به معلمان می‌آموزد. ارزیابی انفرادی، ارزیابی گروهی، خودارزیابی و ارزیابی هم‌کلاسی‌ها از انواع این سنجش‌ها هستند.

فصل پنجم به ارائه‌ی «نمونه‌ی موفق کلاس‌های چندپایه در دیگر کشورها» پرداخته است و علل موفقیت آن‌ها را بیان می‌کند.



تربیت کرد تا شهروندانی مولد برای آینده باشند. در برنامه‌های فرا رشته‌ای، رشته‌ها را در نظر نمی‌گیرند، بلکه بر آن‌ها فائق می‌آیند و از رشته‌های علمی دانش جدیدی تولید می‌کنند.

برنامه‌های درسی موضوع‌محور، محتوای درس‌ها را برای دانش‌آموزان به صورت خشک، بی‌روح، انتزاعی و غیرمنطقی با کیفیت یادگیری، در محیط طبیعی، ارائه کرده‌اند. هر چه به عمق موضوع‌های آموزشی افزوده شده، جدایی از زندگی بیشتر شده و این رویکرد یادگیرنده را به سوی کشف دلیل و رقابت به جای همکاری سوق داده است، در حالی که وقتی انسان در زندگی با مسئله یا موقعیتی چندبعدی مواجه می‌شود، نمی‌پرسد چه بخشی ریاضی، چه بخشی علوم و کدام بخش مفاهیم تفکر اخلاقی و اجتماعی هستند، بلکه می‌کوشد برای حل مسئله و گذار از یک موقعیت، منابع گوناگون دانش و مهارت لازم را به دست آورد.

آموزش تلفیقی دیوارهای بلند و مستحکم میان موضوعات و مواد درسی را کوتاه‌تر و منعطف‌تر می‌کند. این برنامه، بیش از آنکه بخواهد دانش معینی را به دانش‌آموزان القا کند، به دنبال فراهم کردن زمینه‌های لازم برای شکوفایی قابلیت‌های فردی دانش‌آموزان و گسترش تجربه‌های فردی و مستقل آن‌هاست.

آموزش تلفیقی یک ماده‌ی درسی نیست، بلکه فرصتی برای یادگیری است که در مدارس و برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است و هر مدرسه با توجه به شرایط طبیعی، فرهنگی، جغرافیایی، آموزشی و اجتماعی باید محتوای لازم برای آموزش آن را به کمک خود دانش‌آموزان فراهم کند. هدف اساسی این برنامه برقراری ارتباط مؤثر میان عناصر موضوعات برنامه‌ی درسی در فعالیت‌های آموزشی مدارس است.

اما آنچه باعث می‌شود رویکرد «تلفیقی» را برای کلاس چندپایه پیشنهاد کنیم، هم‌سویی «تلفیق» با ویژگی کلاس چندپایه است؛ کلاسی که دانش‌آموزان متفاوت دارد، اما یک هدف را دنبال می‌کند؛ کلاسی که چندین پایه با هم یک کلاس درس هستند، کلاسی که یک معلم دارد و هم‌زمان باید از او دستور گرفت.

منابع

۱. میرشفیعی لنگرودی، داود (۱۳۹۵). یک موقعیت خاص به نام چندپایه. انتشارات مدرسه. تهران.
۲. فقیهی، علیرضا (۱۳۹۲). طراحی آموزشی. انتشارات کورش.
۳. ملکی، حسن (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی درسی راهنمای عمل. انتشارات مدرسه. تهران.



معلمان در کلاس‌های چند پایه چگونه تدریس می‌کنند؟

مرضیه کهندل

مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد

تعریف و برای هر پایه کتاب‌های جداگانه‌ای در رشته‌های متفاوت تألیف کرده است. دانش‌آموزان کلاس شما هم مشمول برنامه‌های طراحی‌شده با همین رویکرد نظام تربیتی می‌شوند. بنابراین، چندان دور از ذهن نیست که بخواهید برنامه‌ی آموزشی تک‌پایه را در یک کلاس چندپایه به همان سبک و سیاق اجرا کنید. البته شما در این دیدگاه تنها نیستید. در بسیاری از نقاط کشور و حتی در سایر کشورها^۱، یکی از روش‌های تدریس در کلاس چندپایه، روشی است موسوم به شبیه تک‌پایه. در این مورد، متخصصان تعلیم و تربیت^۲ هم تأیید می‌کنند، وقتی سیستم آموزشی در یک کشور بر تدریس تک‌پایه‌ای استوار است، در آن صورت برنامه‌ی درسی سازمان‌یافته و مخصوصی برای تدریس و کاربرد در مدارس چندپایه وجود ندارد. این موضوع سبب می‌شود معلمان چندپایه

آیا تاکنون در یک کلاس با گروهی از دانش‌آموزان از چندین پایه و در سنین مختلف تدریس کرده‌اید؟ شاید هم اکنون شما یک معلم چندپایه باشید یا از یک مدرسه‌ی چندپایه، به مدرسه‌ای با تعداد دانش‌آموزان بیشتر، که به حدنصاب تشکیل پایه‌های مجزا رسیده‌اند، به تازگی سفر کرده‌اید. به هر حال، موقعیت چندپایه، یک موقعیت آموزشی ناآشنا و حتی دور از احتمال برای خدمات تعلیم و تربیتی نیست.

بیایید هم‌اکنون خود را در موقعیت یک معلم چندپایه قرار دهید. برای مدیریت کلاس و تدریس چه راهبردهایی ممکن است به ذهنتان برسد؟

شما به عنوان آموزگار، با این واقعیت آشنا هستید که نظام آموزشی کشور ما در دوره‌ی ابتدایی شش پایه‌ی مجزا از هم را

کلاس خود را به شکل و روش تک پایه مدیریت کنند. یعنی معلم به هر پایه به صورت مستقل و به روشی که در کلاس های تک پایه تدریس می کند، آموزش می دهد. معلمان خبره به این روش، سعی می کنند برنامه ی کلاسی را طوری تنظیم کنند که هنگام کار دانش آموزان بر یک فعالیت تعیین شده توسط معلم، به جای نظارت، همان مقدار از زمان را در یک پایه ی دیگر صرف آموزش کنند یا عمداً زمان بیشتری را به گروه هایی اختصاص بدهند که درگیر کار روی فعالیتی پیچیده و سخت هستند و به همراهی معلم نیاز بیشتری دارند.

شاید شما هم با پژوهشگری به نام **فورنیر**^۳ که اجرای مدل شبه تک پایه را در مدارس روستایی سنگال مشاهده کرده است هم رأی باشید که تبدیل شدن این روش تدریس به عنوان یک مدل رایج که در آن هر معلم با شش پایه در یک کلاس باشند، حتی در مدارس دورافتاده و کم جمعیت کشوری مانند سنگال نیز موجب نگرانی خواهد بود. این نگرانی را از چند جهت می توان تصویر کرد. اولاً از آنجا که مدل شبه تک پایه به شدت محتوا محور است^۴ و تمایلی هم به دستکاری در محتوای کتاب ها ندارد، موجب می شود معلمان چند پایه از کمبود زمان تدریس و همچنین زمان اضافی که صرف برنامه ریزی دروس جداگانه برای هر پایه می کنند، مدام اظهار خستگی و شکایت کنند.

در ثانی، به نظر می رسد، در مدل شبه تک پایه، به علت رهبر و محور بودن معلم برای همه ی پایه ها، همکاری بین دانش آموزان، به ویژه از پایه های متفاوت، چندان مورد توجه قرار نمی گیرد.

بنابراین، یکی از فرصت های طلایی کلاس های چند پایه، که حضور هم زمان دانش آموزان پایه های بالا و پایین در کنار هم است و می تواند یادگیری های ارزشمندی را رقم بزند، بدون استفاده باقی می ماند.

هم چنین، در مدل شبه تک پایه، ممکن است رفتار معلم به دانش آموز این گونه القا کند که تنها مرجع آموزش، خود معلم است. از آنجا که معلم چند پایه نمی تواند به طور مداوم به همه ی دانش آموزان در همه ی پایه ها رسیدگی کند، ایجاد فضایی ناخوشایند از سرگردانی و نارضایتی دانش آموزان در کلاس، دور از انتظار نخواهد بود. حتی تصور درگیر شدن در چنین موقعیتی ممکن است برای برخی از ما دلهره آور باشد، چرا که شاید زمانی که تلاش می کنید چند گروه با سنین غیر همسان، آمادگی متفاوت و انگیزه ی متنوع را به صورت یک کل کلاسی بپذیرید و آموزش بدهید، احساس توانمندی تدریس و کسب نتایج موفق آمیز به همان کیفیت زمان حضورتان در یک کلاس تک پایه و معمولی بروز نکند. ضمن اینکه روش های منحصربه فرد شما در تدریس هم گاهی اوقات پاسخ گوی نیازهای آموزشی موقعیت موجود نیستند. در نگاه اول، چنین موقعیتی تهدید به نظر می رسد، اما چرا برخی معلمان از حضور در کلاس چند پایه استقبال می کنند و از تدریس در آن لذت می برند؟ آن ها در این کلاس ها خلاقیت، انعطاف و کمک به یادگیری بیشتر و عمیق تر را تجربه می کنند و احساس توانمندی تدریس و کسب نتایج موفق آمیز در آن ها قوی تر می شود.



پایه‌های متفاوت را درگیر یادگیری هدفمند کند، استفاده از انواع تکالیف عملکردی است که با هدایت معلم، همکاری افراد گروه در یک پایه، به کمک پایه‌های بالاتر یا به صورت کاملاً فردی، توسط دانش‌آموزان انجام می‌شود. همچنین، استفاده از مواد یادگیری انعطاف‌پذیر مانند یک گیاه کاشته شده در گلدان یا چینه‌های آموزشی می‌تواند دانش‌آموزان پایه‌های متفاوت را با توجه به نیازهای یادگیری‌شان در یک مبحث مشترک گرد هم آورد.

ترویج یادگیری خودآموز

گاهی لازم است معلم به دانش‌آموزان خود اعتماد کند و مسئولیت بیشتری را برای انجام یادگیری به آن‌ها واگذار نماید. معلم چندپایه با ترویج یادگیری خودآموز و ایجاد فرصت‌هایی برای مطالعه فردی یا انجام برخی تکالیف به صورت شخصی، می‌تواند به تعداد قابل توجهی از اهداف آموزشی هر پایه دست پیدا کند.

تولید طرح‌هایی برای آموزش یکپارچه به کل کلاس

یکی از راهبردهای خلاقانه‌ی تدریس این است که معلم در مورد یک موضوع از زوایا و سطوح متفاوت، متناسب با نیازها و توانمندی‌های هر پایه، تدریس کند. برای تولید طرح‌هایی از این قبیل لازم است معلم چندپایه کتاب‌های درسی را بازنگری کند و مطالبی با محوریت یک مضمون مشترک (برای مثال آب) را بیابد. او می‌تواند این تکه‌های پراکنده در کتاب‌های گوناگون و پایه‌های متفاوت را با طراحی مجدد دوباره به هم پیوند دهد و محتوایی یکپارچه برای آموزش هم‌زمان به کل کلاس تهیه کند. این طرح‌های یکپارچه که به نام طرح‌های تلفیقی شناخته می‌شوند، این روزها در میان معلمان چندپایه مورد استقبال واقع شده‌اند و به صرفه‌جویی در زمان آموزشی کمک زیادی می‌کنند.

پی‌نوشت

1. Pridmore (2007)
2. Brown (2008)
3. Fournier (2004)
4. Ross (2000)
5. Pridmore & Aikman (2001)

منابع

1. Brown, B. A. (2008). Multigrade teaching: A review of selected literature and implication for educator education and training in South Africa.
2. Fournier, G. (2004). „Rural Access Initiative“. Paper presented at the Colloquium on Multigrade Teaching as a Policy Option for Africa held in Senegal May 24th to 28th, 2004. (World Bank Institute: Washington).
3. Pridmore, P. (2007). Adapting the primary school curriculum for multigrade classes in developing countries: a five step plan and an agenda for change. Journal of Curriculum Studies, 39(5), 559-576.
4. Ross, A. (2000) Curriculum: construction and critique. (London: Falmer Press).
5. Harris, R., Miske, S., & Attig, G. (2004). Embracing Diversity: Toolkit for Creating Inclusive Learning-Friendly Environments. UNESCO Bangkok.



مگر آن‌ها برای رهایی از تهدیدهای مدل شبه تک‌پایه در مدارس چندپایه چه می‌کنند؟ مسلّم است که آن‌ها روش شبه تک‌پایه را تغییر داده یا بهبود بخشیده‌اند. شاید هم از برخی ظرفیت‌های موجود در محتوای کتاب‌های درسی به صورت بین پایه‌ای و بین‌رشته‌ای بهره می‌برند. یا از ترکیب چند سنی دانش‌آموزان استفاده‌های مؤثری می‌کنند. به هر حال، هر نوع راهکاری که بتواند تدریس در محیط چالش‌برانگیز یک کلاس چندپایه را سهل و شیرین کند و اثربخشی یادگیری را نیز افزایش دهد، قابل توجه و تأمل است. در ادامه به برخی از این روش‌ها اشاره می‌کنیم:

راهبردی کردن گروه‌ها

یکی از اقدامات پسندیده‌ی معلم برای فعال کردن دانش‌آموزان در کلاس، تشویق آنان به کار در گروه است. کار گروهی در یک کلاس چندپایه به دلیل ترکیب‌های متعددی که معلم ایجاد می‌کند، شکل متنوع‌تر و کارآمدتری به خود می‌گیرد. معلم برای برخی از فعالیت‌ها می‌تواند دانش‌آموزان را به دو یا چند گروه با توانایی‌های مختلف تقسیم کند، به طوری که در یک گروه همه‌ی افراد هم سن یا هم پایه نباشند. این دانش‌آموزان تشویق می‌شوند ضمن اینکه در زمینه‌های گوناگون یادگیری خود را دنبال می‌کنند، در کارها نیز به یکدیگر کمک یا از کمک دیگران استفاده کنند. در نهایت، معلم می‌تواند با توجه به سن و درجه‌ی مهارت مورد انتظار از هر فردی در درس موردنظر (ریاضی، علوم، خواندن و ...) جداگانه ارزشیابی به عمل بیاورد. گاهی نیز پروژه‌ای به یک گروه که ترکیبی از سنین و پایه‌های متفاوت است داده می‌شود تا با همکاری یکدیگر در تکمیل آن بکوشند و همگی در شادی اتمام آن شریک شوند.

تدارک تکالیف مناسب و مواد یادگیری انعطاف‌پذیر

روش دیگری که معلم می‌تواند به وسیله‌ی آن دانش‌آموزان

مدرسه‌ی چندپایه، خوب یا بد؟

نویسنده: زهرا صنعتگران

اگر در جمعی که بیش از دو معلم در آن باشند بنشینید، بالاخره از یک جایی به بعد بحث به جمعیت زیاد کلاس و کمبود امکانات و حجم بالای کتاب‌های درسی خواهد کشید. اما در جمع معلمان چندپایه چه اتفاقی می‌افتد؟ معلمانی که به جای چهار پنج کتاب درسی باید ۱۰ تا ۳۰ کتاب را در طول سال تمام کنند، چطور با مشکلاتشان کنار می‌آیند؟ تا به حال با چالش‌های کلاس‌های مختلط روبه‌رو شده‌اید؟

در این قسمت از پرونده، با چند معلم چندپایه همراه می‌شویم تا ببینیم معلم بودن در روستا چه تفاوتی با معلمی در لوکس‌ترین مدارس پایتخت دارد؟ آنچه برای خود ما نیز غیرقابل پیش‌بینی بود، تفاوت آرای معلمانی است که در این شماره از خاطراتشان حرف می‌زنند. به همین منظور، گزارش را به سه بخش «محاسن، چالش‌ها و پیشنهادها» تقسیم می‌کنیم تا از سه زاویه‌ی متفاوت داستان چندپایه بودن مدارس در ایران را بررسی کنیم. در این گزارش، با نقطه نظرات این سه معلم آشنا خواهید شد. با ما باشید:



آفتخار قنبری

۴۸ سال دارد و ۲۹ سال سابقه‌ی معلمی. او در چهار پنج سال اول کارش کلاس‌های چندپایه را تجربه کرده، اما بعد از ۲۲ سال فاصله، دوباره به این فضا بازگشته است.



حسن سعیدی نسب

۱۳ سال از ۳۷ سال عمرش را به معلمی گذرانده و امسال اولین سالی است که در کلاس‌های شش‌پایه به کار مشغول می‌شود.



مهدي شمس

او جوان‌ترین عضو این گروه است با ۳۱ سال سن و ۱۴ سال سابقه. در ۹ سال اول کار کلاس‌های تک پایه را اداره می‌کرده، اما این روزها با ۵ سال سابقه‌ی معلمی در کلاس‌های چندپایه، از قدیمی‌های این کار به حساب می‌آید!



✧ شمس: چیزی که توجه خود من را در کلاس‌های مختلط چندپایه جلب کرد، چشم و دل سیر بودن بچه‌هاست. بچه‌ها اینجا کنار هم هفت سنگ بازی می‌کنند، فوتبال بازی می‌کنند و دختر و پسر همیشه باهم‌اند، اما به مشکلی بر نمی‌خورند!

✧ این بزرگ شدن بچه‌ها در کنار هم و اعتمادی که به همدیگر دارند، چه خود بچه‌ها و چه والدینشان، به‌نظر از محاسن کلاس‌های چندپایه‌ی روستایی است. ✧ جدای از این، معلم کلاس چندپایه اصلاً نمی‌تواند بدون طرح درس سر کلاس حاضر شود. با توجه به سابقه‌ای که در تدریس کلاس‌های تک پایه داشتم، متوجه شدم ما کلاس تک‌پایه را می‌توانیم گاهی بدون طرح درس - طبق عادت - جلو ببریم، اما در کلاس‌های چندپایه معلم مجبور است به تعداد پایه‌ها طرح درس آماده داشته باشد تا خودش و بچه‌ها دچار سردرگمی نشوند. این نظم و دیسیپلین بخشیدن به معلم نیز شاید به نوعی از محاسن کلاس‌های چندپایه باشد.

✧ سعیدی‌نسب: من فکر می‌کنم حسن کلاس‌های چندپایه بیشتر در اجتماعی شدن دانش‌آموزان است. بچه‌های چندپایه از همان دبستان یاد می‌گیرند چطور با هم کار کنند، چطور از دانش‌آموزان بزرگ‌تر تو سری نخورند، چطور حامی کوچک‌ترها باشند و چطور از هم یاد بگیرند؟

✧ ما مجبوریم برای رسیدن به سرفصل‌های مقرر بچه‌ها را گروه‌بندی کنیم و بچه‌ها به مرور در همین گروه‌بندی‌ها روابط انسانی و اجتماعی شدن را یاد می‌گیرند.

✧ به‌نظر من، در جامعه‌ای که بعد از این همه سال، تنها ورزش تیمی‌اش در رده‌ی نوجوانان مدال جهانی گرفته، یک زنگ خطر بزرگ به گوش می‌رسد و آن اینکه ما بزرگ‌ترها در انجام کارهای گروهی ضعیف بوده‌ایم و حالا برای جهانی شدن به تربیت فرزندان‌ی نیاز داریم که بهتر از نسل‌های قبل - بیشتر از ما - برای انجام کارهای گروهی تلاش کنند!

✧ قنبری: به نظر من کلاس‌های چندپایه دو حسن دارند:

✧ اول: در کلاس‌های چندپایه مرور چندباره‌ی درس‌ها باعث یادگیری عمیق‌تر بچه‌ها می‌شود، چرا که ما به ازای هر مبحث که به پنجمی‌ها آموزش می‌دهیم، یک‌بار هم همان مبحث را برای سال بالایی‌ها دوره کرده‌ایم. به علاوه، آموزش درس‌های ششم جلوی کلاس پنجمی‌ها یک‌جور پیش مطالعه به حساب می‌آید؛ کاری که معلمان شهری آرزو دارند دانش‌آموزانشان انجام دهند!

✧ دوم: به این دلیل که در کلاس‌های چندپایه دانش‌آموزان خواه ناخواه به بازوی معلم تبدیل می‌شوند، روابط بهتری بین ما و آن‌ها شکل می‌گیرد. معلم کلاس چندپایه قطعاً قادر نیست هم به تکالیف بچه‌ها رسیدگی کند، و هم درس بدهد و بپرسد و هم کلاس را اداره کند... اینکه خود دانش‌آموزان معلم خودشان هستند، به بچه‌های بزرگ‌تر حس به‌دردبخور بودن و به کوچک‌ترها انگیزه‌ی بزرگ شدن می‌دهد.



☼ **شمس:** به ازای هر یک پایه که به کلاس‌ها اضافه شود، سختی کار معلم ده برابر بیشتر خواهد شد. ما ۴۵ دقیقه وقت داریم برای تدریس سه کتاب، یعنی هر کتاب ۱۵ دقیقه!

☼ واقعاً چقدر امکان دارد یک معلم درسی مثل علوم را در عرض ۱۵ دقیقه با آزمایش، تمرین، توضیح و پرسش‌های دانش‌آموزان تمام کند؟ همین که بیاییم بچه‌ها را ساکت کنیم و هر کس سر جای خودش بنشیند و یک کلمه از جلسه قبل حرف بزنیم تا دانش‌آموزان یادشان بیاید موضوع چیست، ۱۵ دقیقه تمام شده است. چطور با چنین وضعی کلاس‌های بیشتر از دو یا سه پایه را اداره کنیم؟

☼ **سعیدی نسب:** دلیل اینکه مدارس روستایی چندپایه می‌شوند، به حد نصاب نرسیدن تعداد دانش‌آموزان است. اما چیزی که من نمی‌فهمم این است که چرا دانش‌آموزان کمی که به یک گروه چندپایه و بزرگ تبدیل شده‌اند، باز هم به چشم نمی‌آیند؟

☼ وجود دستگاه کپی از بدیهیات تمام مدارس است، اما ما در مدرسه‌ی خودمان دستگاه کپی نداریم، به خاطر اینکه مسئولان فکر می‌کنند مدارس کم جمعیت به دستگاه کپی نیاز ندارند! به نظر شما، در کلاس شش پایه‌ای که شش گروه دانش‌آموز در آن هستند، معلم فرصت می‌کند به ازای هر گروه و هر دانش‌آموز یک بار سؤال را بخواند و بچه‌ها بنویسند؟ می‌شود؟ قطعاً معلم‌های شهری با حساب خودشان برای مدرسه دستگاه کپی نمی‌خرند، اما ما مجبوریم...

☼ **قنبری:** در دوره‌های تربیت معلم واحدی برای آموزش به معلمان چندپایه وجود ندارد، اما اکثر دانشجویان تازه کار را در دوره‌ی کارآموزی یا اوایل خدمتشان به روستاهای دور افتاده و مدارس چندپایه می‌فرستند!

☼ به نظر من، چندپایه بودن، بدون وجود طرح درس جداگانه، به ضرر دانش‌آموز تمام می‌شود. این بچه‌ها مجبورند همان کتاب‌هایی را بخوانند که دانش‌آموزان تک پایه خوانده‌اند، با این تفاوت که فرصت تمرین اضافی، سؤال تستی، سؤال هوش و... را نداشته‌اند. محتوای بعضی کتاب‌ها با کمی پیچیدگی بیشتر، هرساله تکرار می‌شود. آیا نمی‌توان طرحی ریخت تا این کتاب‌ها کمی پایه‌ای‌تر، عمومی‌تر و عمیق‌تر باشند که معلم هم بتواند زمان بیشتری را برای «کل» کلاسش بگذارد؟

☼ **شمس:** وقتی بچه‌ها گروهی کار می‌کنند، معلم و گروه‌های دیگر به تمرکز نیاز دارند. برای اینکه گروه‌ها زیر دست و پای هم له نشوند، باید فضای کافی در کلاس داشته باشیم. ما نمی‌توانیم به دانش‌آموز بگوییم نفس نکشد!

☼ در کلاس‌های چندپایه کار معلم به گروهی کار کردن دانش‌آموزان وابسته است و کار گروهی جنب و جوش، سروصدا، مشکلات و نیازهای مخصوص به خود را دارد.

☼ **قنبری:** ما تا امروز به مشکلاتی که به مختلط بودن کلاس دخترها و پسرها مربوط باشد برنخورده‌ایم. دانش‌آموزان با هم بزرگ می‌شوند و خانواده‌ها هم مشکلی ندارند. معلمان نیز سعی می‌کنند بحث‌های حساسیت برانگیز نداشته باشند تا وضعیت متعادل کلاس از بین نرود. اما داشتن سرویس بهداشتی‌های مجزا واقعاً از حداقل‌های محیط‌های مختلط است. من فکر می‌کنم بهتر است آموزش و پرورش نسبت به این موضوع بی تفاوت نماند.

☼ **سعیدی نسب:** بهتر است برای هر کلاس پایه‌های نزدیک به هم انتخاب

شوند. داشتن هم زمان پایه‌ی اول و ششم معلم را سردرگم می‌کند. ما در این شرایط نمی‌توانیم اقتدار لازم را برای بزرگ‌ترها داشته باشیم، زیرا مجبوریم طوری رفتار کنیم که دانش‌آموزان سال‌های اول و دوم از مدرسه زده نشوند. به علاوه، درس‌های پایه‌های نزدیک هم پوشانی بیشتری با هم دارند و رفتار متناسب با سن دانش‌آموزان و هم پوشانی درس‌ها در روند پیشرفت کار معلم مؤثر است.

☼ **شمس:** بر خلاف تمام محاسنی که کلاس‌های چندپایه دارند، شرایط کلاس «برای معلم» به شدت سخت، نفس گیر و فرساینده است. معلم باید تمام زنگ تفریح سر کلاس بماند تا از همان ۱۵ دقیقه برای آموزش یک گروه استفاده کند. راهبر آموزشی چیزی از ما می‌خواهد که سریع‌ترین ربات‌ها هم از پیشش بر نمی‌آیند. معلمان بلافاصله بعد از اینکه امتیازشان بالا برود، از کلاس‌های چندپایه فرار می‌کنند و این یعنی اوضاع مدارس چندپایه به نفع ما نیست!

☼ امتیاز، اضافه کاری، امکان نقل و انتقال؛ لااقل یک ذره برای از بین بردن معلم تلاش کنید.

☼ **سعیدی نسب:** در کلاس‌های چندپایه گاهی به دانش‌آموزان زرنگ ظلم می‌شود. مثلاً دانش‌آموز سوم، سال قبلش، زمانی که سوم را درس می‌دادیم، درس را یاد گرفته است و سال بعد هم می‌خواهد بیاید پای تخته، چون جواب سؤال‌ها را می‌داند، اما نمی‌توانیم اجازه بدهیم او مدام پای تخته باشد. دانش‌آموز زرنگ حوصله‌اش سر می‌رود و دانش‌آموز ضعیف احساس محرومیت می‌کند، اگر پای تخته نیاید. خب تمام این‌ها مشکل‌اند!



فرهنگِ کلاسِ درس

تدریس پژوهی (تدریس کاوی)، الگویی برای تغییر و تحول معلمی

دکتر ابوالفضل بختیاری

مقدمه

تدریس پژوهی (درس پژوهی) الگویی ژاپنی برای بهبود و بهسازی فرایند آموزش و یادگیری در کفِ کلاس درس است. توجه به این ایده در چند سال اخیر در ایران موجب استقبال معلمان، مدیران و مربیان تربیتی شده است، ولی این نگرانی وجود دارد که نکند، این هم مثل اقدام پژوهی (پژوهش عملی معلمان - معلم پژوهنده) دچار انحراف از هدف شود! اگرچه هر دو (تدریس پژوهی و اقدام پژوهی) می توانند به توسعه‌ی توانایی‌های حرفه‌ای معلمان و بهسازی و نوسازی روش و منش معلمی کمک بسزایی کنند، ولی اتفاقات پیش رو، نشانگر آن است که با بخش‌نامه و تأکیدی که می‌شود، تدریس پژوهی فقط به طرخی برای گرفتن امتیاز و جشنواره‌ی تدریس تبدیل شده است!

تدریس پژوهی (تدریس کاوی) باید به وسیله‌ی معلم و برای بهبود معلمی در کفِ کلاس درس انجام شود. درواقع می‌توان گفت، درس پژوهی الگویی روشمند، هدفمند، نظاممند، فرایندمحور و کلاس‌مدار برای پژوهش در کلاس درس است که معلمان را ترغیب می‌کند به مطالعه‌ی تدریس بپردازند. معلمان در این شیوه همکار خود را به کلاس خود را به کلاس خود فرا می‌خوانند و در کلاسِ خود را به روی دیگر معلمان می‌کشایند تا رفتارهای کلاسی، شیوه‌ی تدریس و گفت‌وگوهای خود را در آیینی دوست‌بینند. به بیان دیگر، معلم دیگری به کلاس درس همکارش دعوت می‌شود تا رفتارهای معلمی او را مشاهده، مطالعه، مقایسه و بازاندیشی کند. در این نوشتار، از منظر تدریس پژوهی (تدریس کاوی) به فرهنگِ کلاس درس، تلاش‌ها و چالش‌های پیش رو خواهیم پرداخت. درس پژوهی (تدریس کاوی)، پژوهش مشارکتی معلمان

در کلاس درس است. این الگو را با عنوان مطالعه‌ی درس و «پژوهش مشارکتی معلمان در کلاس درس»، برای اولین بار دکتر سرکارآرانی (۱۳۷۸) در ایران مطرح و مورد توجه قرار داد. این الگوی اثربخش بهسازی آموزش و یادگیری می‌تواند در نظام آموزشی و آموزش و یادگیری معلمان کشور تحولی ایجاد کند. به نظر می‌رسد، اگر آموزش‌وپرورش برای ارتقای کیفی مدرسه و تحول در فرهنگ آموزش، فرهنگ مدرسه و فرهنگ کلاس و درس عزم جدی دارد، باید به روش تدریس کاوی جدی توجه و در ده سال آینده نتایج آن را ارزیابی کند. الگوی درس پژوهی کاری زمان‌بر، فرایندمحور و دیربازده، ولی اثربخش است.

تدریس پژوهی می‌خواهد معلمان را به «گفت‌وگو»، جست‌وجو، مباحثه، مذاکره، و نقد و بررسی تمامی فعالیت‌های آموزش و یادگیری در کلاس درس علاقه‌مند کند. شاید «شوق یادگیری» در خود و دانش‌آموزان افزایش یابد. این الگو به گفته‌ی سرکارآرانی و حبیب‌زاده بسیار ساده، ولی در عمل مشکل است. به نظر نگارنده، معلمان قبل از اینکه کلاس خود را به روی همکار باز کنند، باید ذهن و فکر خود را باز کنند و با این ایده که مشاهده‌ی همکارم می‌تواند در تدریس و معلمی من نقطه عطفی برای تبدیل کلاس به «کلاس یادگیرنده» باشد، شروع کنند.

برخی معلمان از دعوت همکاران و بودن آن‌ها در کلاسشان نگران‌اند. برخی می‌ترسند در کلاس خود را به روی همکارانشان باز کنند، چون اگر همکاری به کلاس بیاید، حتماً کلاس و کلاس‌داری و معلمی در آینه رُخ می‌نمایند و آینه، هرچه خوبی، خوشی و زیبایی را روبه‌رو نشان می‌دهد، نه چون شانه عیب را به صد زبان پشت‌سر و موبه‌مو گوید.



اشاره به:

دوست دارم که دوست عیب مرا همچو آینه روبه‌رو گوید
نه چون شانه پشت‌سر رفته موبه‌مو گوید

با نگاهی به فرهنگ آموزش در ایران و به‌ویژه فرهنگ مدرسه، می‌توان گفت هنوز در نظام آموزشی ایران فرهنگ گفت‌وگوی حرفه‌ای در مدارس شکل نگرفته است! برخی معلمان معلمی را کاری سهل می‌دانند و یادگیری از همتایان را کاری بس دشوار. آن‌ها از باز کردن در کلاس نگران‌اند. برخی معلمان هم ترس از یادگیری دارند. یادگیری درد دارد و آن‌ها نمی‌خواهند درد بکشند. ادعا شد **یادگیری** مثل زایمان درد دارد. به‌نظر می‌رسد برای تغییر و تحول در نظام آموزشی، باید به فکر آموزش و یادگیری در کف کلاس درس بود.

تدریس پژوهی درواقع بازاندیشی عمل تدریس و تحقیق درباره‌ی تدریس و معلمی است. نگارنده معتقد است، معلمان ایرانی برای هرگونه بهسازی و نوسازی فرایند آموزش و یادگیری باید از مطالعه‌ی تدریس خود به وسیله‌ی خود و ثبت و ضبط صوتی، تدریس خود شروع کنند. چندین بار صدای ضبط‌شده‌ی خود را گوش کنند و اگر خواستند، یک بار تدریس خود را از منظر یک همکار مورد مذاقه و مشاهده قرار بدهند. دوستی را به کلاس درس و تدریس فرا خوانند و از او بخواهند به‌عنوان مشاهده‌گری فعال، «معلمی» خود را به تصویر بکشند، یا با فیلم‌برداری، فیلم خود را با همکاران مشاهده کنند. مشاهده و مطالعه‌ی فرایند کلاس‌داری (تدریس) یا به بیان استاد سرکارآرانی **معلمی**، نکته‌ها و گفته‌هایی را نهان می‌کند که خیر و برکتش به دانش‌آموزان می‌رسد.

به امید روزی که معلمان خود به تدریس و بهبود و بهسازی معلمی بیندیشند.



روش پژوهشی - مشارکتی معلمان در کلاس درس است که از آن به عنوان سودمندترین، کاربردی ترین و مؤثرترین برنامه پرورش حرفه‌ای معلمان در مدارس ژاپن یاد شده است. اولین باری که این طرح در ژاپن مطرح شد در پایه‌ی ابتدایی بود. اما امروزه به ژاپن محدود نمی‌شود و مخصوص پایه‌ی خاصی هم نیست. حتی پای آن به دانشگاه‌ها هم باز شده است. این‌ها را از جایگاه سخنرانی به گوش حاضران جلسه می‌رساند و سپس از پشت میزی که برای سخنرانی در نظر گرفته شده است بیرون می‌آید و در حین حرکت به سوی معلمین می‌گوید: «اگر اجازه بدهید من جلوتر می‌آیم تا شما را از نزدیک ببینم.»

بختیاری به سمت در نمازخانه‌ی مدرسه، محل برگزاری کارگاه، می‌رود و همین‌طور که دستش به دستگیره‌ی در است، می‌گوید: «جوگیوکن کیو یعنی اینکه در کلاس خود را بازکنیم و از همکار و همتای خود خواهش کنیم بیاید و در کلاس ما حضور پیدا کند. که چه بشود؟» خانمی می‌گوید: «که کار ما را ارزیابی کند.» وی سر به علامت نفی تکان می‌دهد. بعد صحبت خود را کامل می‌کند: «که کار ما را نگاه کند.»

آقای اضافه می‌کند: «مشاهده کند.» بختیاری تأیید می‌کند: «این مشاهده سپس به گفت‌وگو درباره‌ی نقاط مثبت و منفی کلاس موردنظر می‌انجامد و در نهایت به رشد حرفه‌ای معلم کمک چشمگیری می‌کند.»

جوگیوکن کیو یک عبارت ژاپنی است و در حوزه‌ی آموزش و پرورش کاربرد دارد. اما برای آنکه این عبارت بین‌المللی شود، دکتر ماکوتا یوشیدا^۱ در پایان‌نامه‌ی دکترای خود به جای معادل انگلیسی آن نوشت: Lesson study

استاد نام‌آور این شاخه از پژوهش آموزشی و پرورشی، دکتر محمدرضا سرکار آرانی در زبان فارسی به جای آن‌ها عبارت درس‌پژوهی را پیشنهاد داده است.

امروزه معلمان آموزش‌دیده در دانشکده‌های علوم تربیتی و با گرایش‌های آموزشی این واژه را به‌خوبی می‌شناسند. اما برای اجرای آن دانش کافی نیست. درس‌پژوهی یک اقدام مهارتی است و معلمان باید برای بهبود روش‌های تدریس خود آن را تمرین کنند، به کار ببرند و به مهارت تبدیل کنند.

معنای ساده‌ی درس‌پژوهی، این است که یک یا چند معلم به دعوت همکارشان به کلاس او می‌روند و نحوه‌ی تدریس او را مشاهده می‌کنند و درباره‌ی آن به گفت‌وگو می‌نشینند. اما همان‌طور که گفته شد، درس‌پژوهی فقط همین دانش ساده نیست و نیاز به آموزش، عمل و کارِ کارگاهی دارد تا به مهارت تبدیل شود.

در این گزارش به یکی از کارگاه‌های آموزشی درباره‌ی درس‌پژوهی می‌روم. این کارگاه به نام «اولین کارگاه آموزشی معلم پژوهنده» و در دبستان هفده شهریور اسلامشهر اجرا می‌شود. استاد راهنمای این کارگاه، دکتر ابوالفضل بختیاری هستند. او در شروع کارش به نقل از دکتر سرکار آرانی می‌گوید: «درس‌پژوهی

جوگیوکن کیو

گزارشی کوتاه از کارگاهی آموزشی
درباره‌ی «درس‌پژوهی»

امیرمحمد حسینی



تلنگر

گفت می‌خواهم بیایم دانشگاه و تدریس تو را ببینم. راستش ابتدا از اینکه زیر نگاه یک کارشناس قرار بگیرم، کمی اضطراب داشتم، اما کم‌کم برایم عادی شد و به آن علاقه‌مند شدم. می‌خواهم بگویم، ممکن است اولین یا دومین بار دست و پای ما بلرزد، اما به‌مرور این کار عادی خواهد شد. درس‌پژوهی کار یک ماه و یک سال نیست و باید پیوسته ادامه داشته باشد. همان‌طور که دکتر شکوهی می‌گوید، باید زمینه‌ای فراهم کنیم که معلم‌ها از کلاس یکدیگر استفاده کنند.»

بختیاری ادامه می‌دهد: «هدف از این کار، به‌هیچ‌وجه مچ‌گیری نیست.» دست در جیب کت خود می‌کند و می‌گوید «آینه‌ام را فراموش کرده‌ام.» بعد شروع به حرکت میان معلم‌ها می‌کند و دستش را به‌جای آینه، جلوی صورت تعدادی از آن‌ها می‌گیرد و ادامه می‌دهد: «می‌خواهیم با این کار آینه یکدیگر باشیم. وقتی کسی را به کلاس دعوت می‌کنیم، نباید از گفته‌هایش بترسیم، اما یادمان باشد که به‌عنوان مشاهده‌کننده، همیشه می‌توانیم از گفتن نکات مثبت کلاس همکارمان به او شروع کنیم و بعد با عباراتی نظیر «بهتر نبود از کلمه‌ی دیگری به‌جای فلان لغت استفاده می‌کردی؟» اشتباهات او را گوشزد کنیم.»

ضبط صدا یا دعوت همکار؟

راهکار دیگری هم برای درس‌پژوهی وجود دارد و آن ضبط کردن صدای خودمان است. بختیاری کتاب **ایشیکاوا**، یکی از صاحب‌نظران این رشته، را بالا می‌گیرد. ایشیکاوا می‌گوید: «من می‌ترسیدم از کسی دعوت کنم به کلاس من بیاید. پس

بختیاری برای فهم بهتر مسئله خاطره‌ای می‌گوید: «من یک‌بار صدای استاد دانشگاهی را سر کلاس ضبط کردم. بعد صدای ضبط‌شده را در قالب گزارشی پیاده کردم و به استاد دادم. او ابتدا گفت این کلاس درس من نیست ولی وقتی صدای ضبط‌شده را به او دادم، گفت، اصلاً فکر نمی‌کردم بعضی کلمه‌ها، جمله‌ها و شعرها و غیره را در تدریس استفاده کنم.»

و ادامه می‌دهد: «درس‌پژوهی نوعی تلنگر است. همه از یکدیگر یاد می‌گیریم و درس‌پژوهی به مرور موجب رشد فرایند تدریس ما می‌شود.»

او از معلم‌ها که هر یک به نمایندگی از مدرسه‌های خود در کارگاه حضور دارند، می‌پرسد: «کسی از شما تا به حال چنین کاری کرده است؟» خانمی دست بلند می‌کند و می‌گوید: «من یک‌بار احساس کردم بچه‌ها درسی را خوب متوجه نشده‌اند. از همکاری خواهش کردم بیاید و آن درس را تدریس کند. خودم هم در انتهای کلاس نشستم. بعد از پایان کلاس، هم به شکل دیگر تدریس آن درس که قابل‌فهم‌تر بود پی بردم و هم توانستم واکنش‌های بچه‌ها را هنگام تدریس زیر نظر بگیرم.»

بختیاری لبخند می‌زند و می‌گوید: «ما هم دنبال همین هستیم، لطفاً برای ایشان کف بزنید.»

مچ‌گیری یا دستگیری؟

سخنران صحبت‌های خود را با تعریف خاطره‌ای دیگر پی می‌گیرد: «استاد سرکار آرانی که به ایران آمده بود، به من



آقای می پرسد شما چند سال سابقه‌ی کار دارید و او پاسخ می‌دهد، بیست‌وهفت سال. دکتر بختیاری اضافه می‌کند: «به‌طور مثال، پشت نگاه ایشان بیست‌وهفت سال سابقه‌ی معلمی وجود دارد.»

اقدام پژوهی یا درس پژوهی؟

بختیاری به یکی از ستون‌های نمازخانه تکیه می‌دهد و به پرسش خانم معلمی توجه می‌کند: «آقای دکتر، گاهی معلم‌ها مخفیانه تصمیم به انجام طرحی در کلاس می‌گیرند و تنها عمل می‌کنند. این اقدام پژوهی صحیح است؟»

وی پس از شنیدن کامل حرف‌های خانم معلم می‌گوید: «اگر روی یک موقعیت خاص، برای مثال دانش‌آموزی خط بدی دارد یا ناخن می‌جود، تمرکز کنیم و در این رابطه با همکاران به گفت‌وگو بنشینیم و راهکاری ارائه داده و سپس عملاً به کار بگیریم، اقدام پژوهی کرده‌ایم. اقدام پژوهی را هر کسی می‌تواند انجام دهد، در حالی که درس پژوهی فقط مختص معلمان است. معلمی که این کار را می‌کند، نامش معلم پژوهنده است و یادمان باشد، پژوهش همیشه منجر به حل کردن مسئله نمی‌شود. درس پژوهی و اقدام پژوهی هر دو نیازمند همکاری و گفت‌وگو هستند. حتی بعد از مدتی می‌توانیم با تقسیم وظایف سر کلاس دوست و همکارمان حاضر شویم. برای مثال، یک نفر فیلم بگیرد، دیگری به واکنش و رفتار دانش‌آموزان توجه کند و همکار دیگر تدریس معلم را مشاهده کند.»

تصمیم گرفتیم که صدای خودم را ضبط کنم.» بختیاری گوشی موبایلش را در می‌آورد تا به همه نشان دهد به‌سادگی می‌توانند صدای خود را ضبط کنند. ایشیکاوا می‌گوید: «نخستین بار که به صدای خودم گوش دادم، متوجه شدم به‌طور مثال اسم کسی را زیاد صدا زده‌ام یا واژه‌ای را مرتباً تکرار کرده‌ام. پس از آن، به‌مرور اشتباهات خود را اصلاح کردم.»

در اینجا یکی از آقایان می‌پرسد: «با وجود امکان فیلم گرفتن از کلاس و ضبط صدا و تصویر دیگر چه نیازی به دعوت از همکار داریم؟» بختیاری پاسخ می‌دهد: «ضبط صدای خود اقدامی سودمند برای شروع درس پژوهی است، اما بهترین کاری که می‌توان انجام داد دعوت از همکاران برای حضور در کلاس درس است. دکتر کاترین لویی^۲، کسی که چهارده سال راز موفقیت ژاپنی‌ها را بررسی و در کتاب «آموزش قلب‌ها و اندیشه‌ها» چاپ کرده است، می‌گوید: «در مدرسی که من بررسی کردم تا پانزده نفر معلم هم سر کلاسی جمع می‌شوند. در ژاپن معلم‌ها از معلم‌ها دعوت می‌کنند، اما در آمریکا این‌طور نیست و غالباً صدای خود را ضبط می‌کنند یا از کلاس فیلم می‌گیرند.» او سپس از معلم‌ها می‌پرسد: «ایراد دوربین از نظر شما چیست؟»

پاسخ‌های متفاوتی شنیده می‌شود. خانمی می‌گوید: «دوربین کلاس را فقط از یک زاویه می‌بیند.»

بختیاری از همه می‌خواهد برایش کف بزنند. بعد اضافه می‌کند: «دوربین حس ندارد، اما وقتی معلمی درباره‌ی کار ما صحبت می‌کند، پشت حرف‌هایش چندین سال سابقه‌ی کارست.» از



وقت پرسش و پاسخ

اولین کارگاه آموزشی معلم پژوهنده در شهرستان اسلامشهر رو به پایان است و بختیاری از معلمان خواهش می کند اگر سؤالی دارند، بپرسند. یکی از خانم ها می پرسد: «برای مثال می توانیم از مشاور مدرسه خواهش کنیم بیاید و به عنوان درس پژوهی سر کلاس ما بنشیند؟»

بختیاری پاسخ می دهد: «شما می توانید با مشاور مدرسه یا هر کس دیگر برای انجام کاری تحت عنوان اقدام پژوهی همکاری کنید، اما درس پژوهی مشخصاً به تدریس، درس و در نتیجه معلم و روش تدریسش ارتباط دارد. پس بهتر آن است همکاران خود که معلم هایی باتجربه تر هستند را به کلاس درس دعوت کنیم.»

در راستای سؤال قبل پرسش دیگری طرح می شود:

«وقتی من معلم پایه ی پنجم هستم، می توانم از معلم پایه ی ششم درخواست کنم که سر کلاس من بیاید؟»

سپس به سمت خانم معلمی می رود و از او می پرسد: «شما چه پایه ای تدریس می کنید؟» او جواب می دهد «من ۲۴ سال است که در پایه ی اول معلم هستم.» بختیاری خطاب به معلمی که سؤال کرده می گوید: «برای مثال شما می توانید از ایشان دعوت کنید که در کلاس شما حضور پیدا کنند. معیار ما فقط معلمی و تدریس است. حتی متخصص بودن در یک درس خاص هم ملاک درس پژوهی نیست.»

او یک نکته مهم را هم به صحبت های خود اضافه می کند. «فراموش نکنیم رفتارهای ما باید در فضایی کاملاً عادی و به دور از نمایش دادن دیده شوند.»

سخن آخر ابوالفضل بختیاری نقل قولی است از یک کتاب: «مایکل ایل»^۴ در کتاب «آیا آموزش می تواند جهان را تغییر دهد»، می نویسد:

«اگر می خواهیم آموزش و پرورش را متحول کنیم، باید از مدرسه شروع کنیم، یعنی از کلاس درس و به طور مشخص از معلم.»

پایان کارگاه

از آقای سیدصادق آقاخشی، معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش اسلامشهر برای سخنرانی دعوت می شود. او ابتدا از بنیان برنامه (آقای جلال مقصودی مدیر دبستان شهید احمدی روشن و خانم لیلا شایانی آموزگار پایه ی ششم) و از حامیان آن (مدیران محترم، آقایان بهرامی، کتابی، رستمی، جهانگیری، محمدی و خانم ها اوتادی و نوروزی) و اولیای دانش آموزان ششم ابتدایی شهید احمدی روشن و همه ی کسانی که زحمات فراوانی برای اجرای کارگاه کشیده اند، تشکر کرد.

آقای آقاخشی به معلمان پیشنهاد می دهد از تدریس خود فیلم بگیرند و در وهله ی اول خود، ارزیاب کار خویش باشند.

پی نوشت:

1. makotoyoshida
2. kaoruishikawa
3. catherinelewis
4. michael Apple

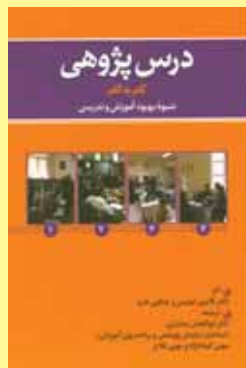
معرفی کتاب

درس پژوهی

گام به گام

شیوه ی بهبود آموزش و تدریس

مریم موسوی



نام کتاب: درس پژوهی گام به گام - شیوه ی بهبود آموزش و تدریس

اثر: دکتر کاترین لوئیس و جکلین هارد

ترجمه: دکتر ابوالفضل بختیاری، مهین کیخانژاد و مهری فلاح

لیتوگرافی: شاهوندی

چاپ و صحافی: شریف

سال چاپ: اول، ۱۳۹۵

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

درس پژوهی ایده ی ساده ای است. اگر دوست دارید نحوه ی آموزش و تدریس را اصلاح کنید، چه کاری از این بهتر که به کمک همکاری معلم خود، روشی را طراحی و تأثیر آن را بر یادگیری دانش آموزان بررسی کنید. این کتاب، به بررسی و تجزیه و تحلیل راهکارهایی می پردازد که گروه های موفق درس پژوهی به کار برده اند تا عملکرد درس پژوهی را سازنده، مطمئن و جامع کنند.

گزارشی از پنجمین همایش درس پژوهی دوره‌ی ابتدایی استان همدان

احمد قره‌خانی



در نهایت به برندگان درس پژوهی لوح تقدیر و نشان ویژه اهدا شد. ده عنوان از برترین‌های این همایش به شرح زیر بودند:

ردیف	نام طرح	مناطق
۱	تفریق عدد مخلوط از عدد صحیح در پایه‌ی پنجم	کبودرآهنگ
۲	فرایند یاددهی - یادگیری مفهوم درصد در کلاس پنجم	ناحیه دو
۳	تقویت فرایند یاددهی - یادگیری مفاهیم تساوی کسرها در چند پایه	قهاوند
۴	چگونه می‌توان تفریق اعداد مخلوط را بهتر آموزش داد	بهار
۵	تقویت فرایند باز یافت با بهره‌گیری از روش کار گروهی	ناحیه یک
۶	اندازه‌گیری جرم و معرفی واحدهای آن	ملایر
۷	تبدیل واحدهای اندازه‌گیری طول	ناحیه دو
۸	تقسیم کسرها با مخرج نامساوی	ملایر
۹	زمین خانه‌ی پر آب ما	ناحیه یک
۱۰	آموزش مقایسه‌ی اعداد اعشاری	فامنین
	آموزش مفهوم مساحت با تاکید بر وحدت آمخته‌ها	اسدآباد
	چگونه می‌توان نسبت و تناسب را به دانش‌آموزان آموزش داد	لالجین
	درس فارسی آسمان آبی، طبیعت پاک با بهره‌گیری از نقش انگیزه در فرایند یاددهی - یادگیری	کبودرآهنگ
	تقویت فرایند یاددهی - یادگیری مفهوم عددنویسی با بهره‌گیری از روش‌های نوین	لالجین

گزارش مفصل این همایش را می‌توانید در وبگاه اختصاصی ماهنامه رشد آموزش ابتدایی به آدرس: eb.roshtmam.ir مطالعه کنید.

در روز (۹۵/۱۰/۰۱) پنجمین همایش استانی درس پژوهی دوره‌ی ابتدایی استان همدان با حضور بیش از ۴۰۰ نفر از آموزگاران برگزیده در حوزه درس پژوهی در سالن اجتماعات خانه معلم برگزار شد. در این همایش مدیرکل آموزش و پرورش استان همدان، آقای مصطفی خزایی گفت: درس پژوهی بستر مؤثر پژوهش در آموزش برای غنی‌سازی یادگیری است و بهترین راه برای بهبود عملکرد معلمان و دانش‌آموزان و تلاش جمعی و مشارکتی آن‌ها برای بهسازی سناریوهای آموزشی است.

وی تصریح نمود: هدف اساسی در اجرای درس پژوهی توانمندسازی همه‌ی عناصر تشکیل‌دهنده فرایند آموزش و یادگیری در کلاس است.

آقای حسین بهرامی‌نویید معاون آموزش ابتدایی استان نیز در این همایش گفت: روش پژوهش مشارکتی معلمان در کلاس به‌عنوان مؤثرترین برنامه‌ی پرورش حرفه‌ای معلمان شناخته شده است و یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در پرورش حرفه‌ای معلمان، پژوهش خود آن‌ها در کلاس درس و چگونگی ارتباط آن‌ها با دانش‌آموزان است. وی یادآور شد: درس پژوهی برای معلمان امکان نوسازی و تداوم بهسازی فرایند یاددهی - یادگیری و بهبود کیفیت آموزشی را به همراه دارد.

در ادامه آموزگاران آموزشگاه دانش کبودر آهنگ در ارتباط با درس پژوهی خود با عنوان «تفریق عدد مخلوط از عدد صحیح»، آموزشگاه پویندگان دانش ۲ ناحیه ۲ شهرستان همدان با عنوان «آموزش مفهوم درصد»، آموزشگاه بنت‌الهدی منطقه‌ی قهاوند با عنوان «احتمال»، آموزشگاه مدرسه شهرستان بهار با عنوان «استثنا تفریق اعداد مخلوط (باز کردن اعداد صحیح)»، آموزشگاه آزادگان ناحیه‌ی ۱ شهرستان همدان با عنوان «تقویت فرایند باز یافت» و شاهد حاج طوسی شهرستان ملایر با عنوان «اندازه‌گیری جرم و معرفی واحدهای آن (کیلوگرم و گرم)» به ارائه‌ی گزارش پرداختند.

روزی که شاگردتان از این خاطرات تعریف می‌کند... شاید دیگر نباشید!



زهرا صنعتگران

گاهی همین‌طور که وسط مهمانی نشسته‌ایم، از دوران کودکی بحث می‌شود. هر کس از پررنگ‌ترین تصویرهای ذهنش و از عجیب‌ترین‌هایش حرف می‌زند؛ مثلاً از معلمانی که مزه‌ی محبت آن‌ها زیر زبان مهندسان و مدیران امروز مانده، یا از بعضی معلم‌های چوب‌تر به دست. البته این چوب‌تر گاهی با زبان است و گاهی با توهین. معلم هم آدم است. گاهی از کوره درمی‌رود و چیزی می‌گوید. اما باید به یاد داشته باشد که اثر یک حرکت، یک کلمه و یک نگاه تا آخر عمر با دانش آموز می‌ماند. این صفحه مثل یک دوره‌می است. هیئت منصفه، قاضی یا خبرنگار نداریم، اما می‌خواهیم لایه‌لای مجله یک قسمت را هم به خاطرات دانش‌آموزانی اختصاص بدهیم که حالا برای خودشان خانم یا آقای شده‌اند. دانش‌آموزان معلمانشان را فراموش نمی‌کنند. تصویر شما در ذهنشان حک می‌شود؛ هرطور که عمل کنید.

عاطفه ۳۰ ساله، چشم‌پزشک

هنوز گاهی فکر می‌کنم چرا ناظم‌مان من را زد؟ تا قبل از اولین و البته آخرین کتکی که خوردم، فکر می‌کردم لابد اگر بچه‌ها کار خیلی بدی انجام بدهند، کارشان به کتک می‌کشد! من جزو بچه‌های ساکت بودم. فقط یک‌بار که اصلاً یادم نیست سر چه موضوعی، بر گشتم به هم‌کلاسی پشت سرم یک حرفی بزنم که ناظم‌مان اسمم را خواند و رفتم بالای صف و کتک خوردم. وقتی معلم‌مان دید پشت دفتر ایستادم، از تعجب زد توی صورتش! کلاس سوم بودم. معلم‌های کلاس اول و دومم متعجب نگاه می‌کردند. همه چیز مثل صحنه‌ی فیلم صامتی بود که کاراکترهایش یک‌هو شروع به حرف زدن کنند. نگاه‌های هر سه معلم تمام شد و هر کس یک‌جور صدایش درآمد که عاطفه بهترین شاگرد ما بوده و هست. اصلاً امکان ندارد و از این حرف‌ها! من از آن روز فقط صحنه‌ی کتک خوردنم را یادم مانده است. یادم نیست قیلس ناظم عصبانی بود یا نه؟ آیا بقیه هم شلوغ می‌کردند؟ اتفاق خاصی افتاد یا... ولی یادم مانده است، کتک را که خوردم، توی دلم گفتم، پس کتک این بود؟ فکر می‌کردم باید گریه کنم. خیلی درد نداشت، اما می‌ترسیدم بدتر شود؟ این‌طور مواقع توی فیلم‌ها می‌گفتند غلط کردم. صحنه‌ی فیلم جلوی چشم بود و از ترس اینکه آن‌قدر بزند که از صورتم خون بیاید، سه بار پشت سر هم گفتم غلط کردم. دو سال بعدش ناظم مرد. نه دوستش داشتم، نه دلتنگ بودم، اما مثل مادر مرده‌ها تا صبح یواشکی اشک ریختم. چرا یواشکی؟ چون واقعاً ناراحت نبودم، اما عذاب وجدان داشتم که همه‌ی آدم‌ها وقتی خبر مرگ می‌شنوند، گریه می‌کنند و من اگر گریه نکنم یا بدجنس می‌شوم یا کینه‌ای!

حالا بعد از ۲۰ سال، الان ذره‌ای کینه از ناظم توی دلم نیست. فراموشش کرده‌ام. حتی به ترس آن روزها می‌خندم اما هنوز هم بعد از این همه سال یک سؤال بی‌جواب دارم. چرا وقتی مرد، این همه ترسیدم؟ نمی‌دانم.

شقایق، ۴۰ ساله، دکترای جامعه‌شناسی

معلم کلاس دوم‌مان بد اخلاق بود. بد نبود، دوستش داشتیم، اما زیادی جدی بود. تصویر مدرسه، بعد از تمام شدن دوران پیش‌دبستانی، کم‌کم داشت به تصویری خشک تبدیل می‌شد که معلم کلاس سوم رسید. دبستان شهید جاوید، خانم خدای. خانمی مهربان و قد بلند با مانتوهای روشن؛ خانمی که می‌خندید، تشویق می‌کرد، خیلی دیر عصبانی می‌شد و... سال‌های آخر تحصیل آن‌قدر بد بودند که فقط دعا می‌کردم تمام شوند. بعد از آن، هیچ علاقه‌ای به دیدن دوباره‌ی هیچ معلمی نداشتم، اما وسط ۲۰ سالگی، مامان گفت خانم خدای را در مسجد دیده و نمی‌دانم چرا برای اولین بار دلم خواست دوباره ببینمش. دم در منتظرش ماندم. آمد. با همان مانتوی کرم، همان تن صدا و همان لبخند. شعله‌ی کوچک و بی‌جانی ته دلم روشن شد. جرقه‌ای کوچک که در دورترین عضو بدنم، زیر یک مشت سرخ‌رگ و سیاه‌رگ بالا و پایین می‌رفت. خواستم بغلش کنم. با نیش باز رفتم طرفش، اما نفسم گرفت. خانم خدای، معلم قدبلند کلاس سومم، از من کوتاه‌تر بود. مثل یک مجسمه بوسیدمش و کنار کشیدم. جرقه تا دم‌گلویم آمد و تبدیل شد به بغض. نمی‌توانستم، بلد نبودم با خانم خدای‌ای که از من کوتاه‌تر است، ارتباط برقرار کنم. نمی‌دانم! شاید اصلاً حکمت قد کشیدن همین باشد: همین که بعد از ده سال معلمت را ببینی، برای بوسیدنش تا کمر تا شوی، و این تا شدن اشکت را در بیاورد.



آیا انجام تکلیف شب به عملکرد درسی بهتر می‌انجامد؟

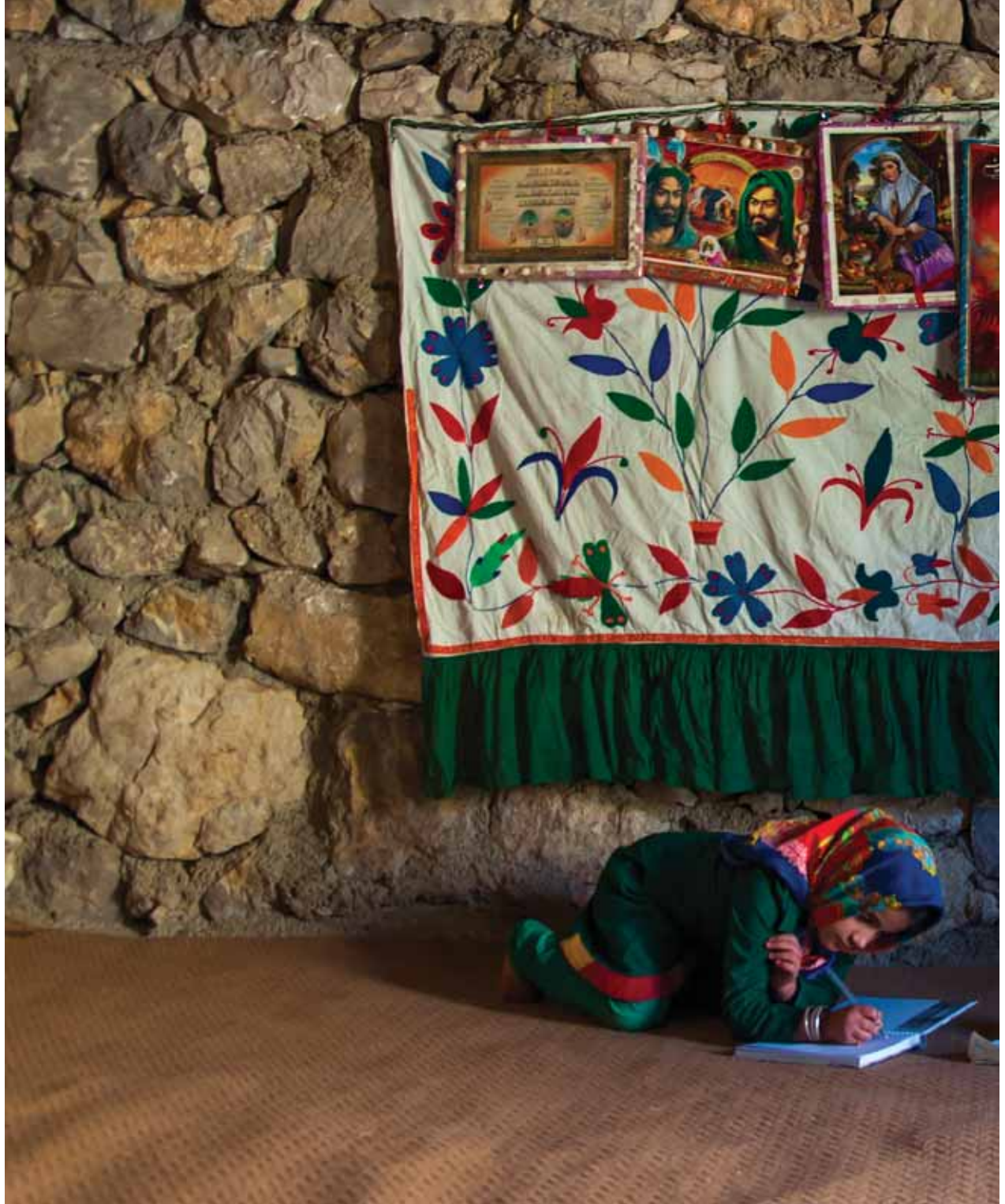
دکتر زهرا بازرگان
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

مروری بر نتایج تحقیقات

بسیاری از معلمان و اولیای دانش‌آموزان بر این باورند که تکلیف شب از الزامات یادگیری است و انجام دادن آن قطعاً به پیشرفت درسی دانش‌آموزان کمک خواهد کرد. با وجود این و به‌رغم این باور غالب در نقاط مختلف دنیا در سال ۱۳۹۲، مدیر یک مدرسه‌ی ابتدایی در منطقه‌ی ساگنی (کانادا) با اعلام این خبر که در سال تحصیلی جاری به مناسبت اجرای یک

طرح آزمایشی، دانش‌آموزان تکلیف شب نخواهند داشت، همگی را شگفت‌زده کرد. خانم ادیت اوبت^۱، مدیر مدرسه‌ی فوق، در صحبتی که با اولیا داشت متذکر شد، بنابر مشاهدات و تجربه‌های معلمان، تکلیف شب نمی‌تواند اثرات مثبتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد، یا لاقلاً اثرات آن بسیار محدود است. وی اظهار داشت که هدف از حذف تکلیف، کمک به یادگیری بیشتر دانش‌آموزان

و جلب مشارکت آنان در فعالیت‌های کلاس است. او سپس برای اولیا توضیح داد که تکلیف شب غالباً به ایجاد تعارض و درگیری بین دانش‌آموز و معلم، و دانش‌آموز و خانواده می‌انجامد و حذف تکلیف چه بسا باعث شود دانش‌آموزان با اشتیاق و آرامش بیشتری در کلاس حضور یابند و فعالیت‌های کلاس را دنبال کنند، زیرا به این ترتیب نگران تکالیف غالباً نیمه‌کاره و ناقص شب قبل خود نخواهند بود.



کارهای نیمه‌کاره‌ی خود را در خانه کامل کنند. از کودکان همچنین خواسته می‌شود، براساس فهرست کتاب‌های غیر درسی معرفی شده در کلاس، کتاب‌هایی را بخوانند و دانش‌آموزان کلاس‌های بالاتر لازم است در کلاس درباره‌ی کتاب‌ها بحث و گفت‌وگو کنند.

در سال تحصیلی ۲۰۱۳، یک‌سال پس از حذف تکلیف شب، مدیر و معلمان تصمیم گرفتند با توجه به نتایج مثبت

رفع دغدغه‌ی خانواده‌هایی که نگران بودند مبدا حذف تکلیف منزل به عقب افتادگی تحصیلی فرزندان‌شان بینجامد، به آنان اطمینان بخشید و در مورد فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که اولیا می‌توانند در خانه برای کمک به یادگیری بیشتر فرزندان خود انجام دهند، صحبت کرد. وی اظهار داشت، حذف تکلیف به این معنا نیست که کودکان در خانه هیچ‌گونه فعالیت درسی نداشته باشند. برای مثال، بچه‌ها موظف‌اند

او در توجیه این تصمیم اظهار داشت، کودکان و نوجوانان تقریباً تمام اوقات روز را در مدرسه می‌گذرانند، لذا واداشتن آن‌ها به انجام تکالیف درسی در خانه، بخش عمده‌ای از وقت آزاد آنان را که لازم است صرف فعالیت‌های بدنی، فکری، تفریحی، شست‌وشو و تغذیه شود، از آن‌ها می‌گیرد و استرس ناشی از انجام تکالیف، به ویژه اگر طولانی و مشکل باشد، بیش از تحمل کودکان خردسال است. خانم اوبت برای

آن، تجربه‌ی فوق را تکرار کنند. این طرح آزمایشی نشان داد، حذف تکلیف تغییرات چندانی در نمره‌های درسی دانش‌آموزان به وجود نیاورده است. یعنی دانش‌آموزانی که معمولاً نمره‌های بالایی می‌گرفتند، بدون انجام تکلیف شب، همچنان نمره‌های قابل توجهی در درس‌های خود داشتند و آنان که قبلاً دچار مشکلات درسی بودند، باز هم نیازمند توجه اضافی و برنامه‌های تکمیلی بودند. اما نتیجه‌ی قابل توجه این تجربه، بهبود روحیه‌ی دانش‌آموزان و نشاط و آمادگی بیشتر آنان برای یادگیری بود. اثرات مثبت این برنامه، به‌خصوص برای دانش‌آموزانی بیشتر محسوس بود که مشکلات یادگیری یا رفتاری داشتند. بدین جهت، مدیر مدرسه آن را به‌عنوان روش جدیدی برای بهبود یادگیری و ارتقای روحیه‌ی دانش‌آموزان توجیه می‌کند، به‌شرط اینکه مدرسه از معلمانی فعال و صمیمی که تصمیم جدی و اراده‌ای قوی برای موفقیت این برنامه دارند، برخوردار باشد. موفقیت چنین برنامه‌ای از نظر وی در گرو بررسی و ارزشیابی مستمر عملکرد دانش‌آموزان و احساس مسئولیت معلمان در ایجاد فرصت‌هایی است که هر یک از دانش‌آموزان بتوانند حداکثر استفاده را از ساعات حضور خود در مدرسه ببرند.

نتایج تحقیقات در کشورهای دیگر...

این موضوع که تکلیف شب ممکن است خودمانی در راه رشد استعدادها و کودک و پرورش جنبه‌های متفاوت شخصیت وی شود، جدید نیست و از سالیان پیش در کشورهای گوناگون مورد مطالعه بوده است. برای مثال، مدرسه‌ای در انتاریو (کانادا) در سال ۲۰۰۸ برنامه‌ی مشابهی را در تحریم تکلیف شب تجربه کرد. نتیجه‌ی بررسی‌های انجام شده، یک‌سال پس از شروع این تحقیق، افزایش نمره‌های درسی و عملکرد بهتر دانش‌آموزان را تأیید کرد.

در کشور فرانسه، حذف تکلیف از مدارس ابتدایی و راهنمایی در سال ۲۰۱۲،

باوجود تردید و نگرانی اولیا، پیشنهاد شد. در همین سال، برنامه‌ی آزمایشی دو سالانه‌ای در کلاس‌های ابتدایی کالجی در آلمان، برای حذف تکلیف شب به اجرا درآمد. لازم به ذکر است، که در طی سالیان گذشته، برخی تحقیقات مشابه به نتایج متفاوتی نیز دست یافته‌اند. برای مثال، براساس گزارش کمیته‌ی مشورتی وزارت آموزش و پرورش ایالت کبک (کانادا) در مورد اثرات تکلیف شب بر مدارس ابتدایی، هیچ‌گونه رابطه‌ی علی بین تکلیف شب و پیشرفت تحصیلی در دوره‌ی ابتدایی یافت نشده است. در همین دوران، مناطق آموزشی در برخی از ایالات کشورهای استرالیا و آمریکا، با بررسی و مطالعه‌ی موضوع فوق در مورد ممنوع کردن تکلیف، لااقل در دوره‌ی ابتدایی، نظر مثبتی داشته‌اند. در کشور انگلستان، تکلیف منزل برای دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی بیشتر در حد تکمیل کارهای نیمه تمامی است که آنان در کلاس شروع کرده‌اند و یا انجام پروژه‌هایی است که با توجه به ذوق و علاقه‌ی خود برای کار در منزل انتخاب کرده‌اند.

به طور کلی، نتایج مطالعات شورای همکاری‌های اقتصادی اروپا^۲ (OEDE) در زمینه‌ی بررسی وضعیت تکلیف شب در کشورهای مختلف نشان می‌دهد، تکلیف شب در برخی از کشورها، در مقایسه با سایر کشورها، اهمیت بیشتری دارد. برای مثال، دانش‌آموزان دوره‌ی اول دبیرستان در شنگ‌های (چین) بیشترین زمان را صرف انجام تکالیف درسی در خانه می‌کنند (حدود ۱۴ ساعت در هفته)، درحالی‌که دانش‌آموزان فنلاندی که در آزمون‌های بین‌المللی پیزا (PISA) بالاترین نمره‌ها را در سطح جهانی در خواندن و دوازدهمین نمره را در ریاضیات کسب کرده‌اند، تنها سه ساعت در هفته وقت صرف انجام این وظیفه می‌کنند. دانش‌آموزان نوجوان انگلیسی در حد وسط این طیف قرار دارند و چهار تا حداکثر پنج ساعت در هفته را به انجام تکالیف درسی در خانه می‌پردازند.

تغییرات در شکل خانواده و اثرات آن بر تکلیف شب

تغییرات وسیع چند دهه‌ی گذشته در زمینه‌ی شکل و شرایط زندگی خانواده‌ها که عمدتاً ناشی از وجود بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، حضور گسترده‌ی بانوان در بازار کار، موضوع طلاق و جدایی والدین و وجود خانواده‌های تک سرپرست است، نظارت بر انجام تکالیف مدرسه و کمک به فرزندان را برای بسیاری از اولیا دشوار کرده است. این نشان می‌دهد، حل مسئله‌ی تکلیف شب، بدون در نظر گرفتن نقش والدین، میسر نیست. از طرف دیگر، تکلیف شب ممکن است برای کودکانی که اختلال یادگیری دارند یا والدین آنان، قادر به پاسخ‌گویی به مسائل درسی آن‌ها نیستند یا وقت کافی برای نظارت بر کار فرزندان در اختیار ندارند، به ایجاد درگیری و تنش در خانواده منجر شود. انجام تکالیف در چنین شرایطی می‌تواند باعث ایجاد نگرش منفی در کودکان برای یادگیری یا حفظ و نگهداری مطالب آموخته شده شود. بنابراین، با توجه به اینکه همه‌ی کودکان و نوجوانان شرایط برابر را برای انجام تکالیف و استفاده از مزایای آن در اختیار ندارند، این وظیفه‌ی آموزشی نابرابری‌های بیشتری را در دانش‌آموزان ایجاد خواهد کرد.

به طور کلی، اغلب تحقیقات در زمینه‌ی لزوم یا حذف تکلیف شب در دوره‌ی ابتدایی بر این نتیجه تأکید دارند که اثربخشی تکلیف شب، به معلم کلاس و شناخت وی از نیازهای یکایک دانش‌آموزان و محیط خانوادگی آنان بستگی دارد.

درسی برای مدارس ایران

در کشور ما، با توجه به تمرکز نظام آموزشی، مدیران و معلمان به رغم آگاهی از بسیاری مسائل و مشکلات دانش‌آموزان و تجربه‌های ارزشمند خود در این زمینه، کمتر در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به دانش‌آموزان شرکت داده می‌شوند. متأسفانه این مسائل را مسئولان رده‌های بالای آموزش و پرورش و کسانی

حل و فصل می‌کنند که معمولاً شناخت عمیقی از فرهنگ و مسائل درونی هر مدرسه ندارند.

به همین ترتیب، تحقیقات نادری که استادان یا محققان دانشگاهی در مدارس هدایت و اجرا می‌کنند، به‌طور عمده در جهت بررسی و شناخت مسائل مربوط به یادگیری، عزت نفس، خود راهبری و غیره انجام می‌گیرد و محققان کمتر ممکن است مجوزی برای ایجاد تغییر و تحول در متغیرهای درونی مدرسه، با توجه به نتایج مثبت پژوهش خود، به دست آورند.

مطالعه‌ی تجربه‌ی مدرسه‌ی مورد اشاره در کانادا، نقش مؤثر و اراده‌ی جمعی عوامل درونی مدرسه (مدیر و معلمان) را در ارزیابی مشکلات، جست‌وجوی راه حل و اجرای تغییرات با توافق و همکاری اولیای دانش‌آموزان نشان می‌دهد. در این تحقیق، مدیر و معلمان به‌صورت یک تیم، با هدفی مشترک، برای بهزیستی دانش‌آموزان گام برداشتند.

موضوع تکلیف شب در ایران پیچیده‌تر از سایر کشورهای مورد اشاره و نیازمند مطالعه و تحلیل عمیق‌تر مسائل مربوط به دانش‌آموز، خانواده، مدرسه و جست‌وجوی راه حل برای هر یک از مشکلات فوق است. بنابراین، در حال حاضر شاید نتوان این وظیفه‌ی آموزشی را، به علت وقت محدودی که دانش‌آموزان در مدرسه می‌گذرانند، جمعیت زیاد کلاس، آموزش ناکافی معلمان در زمینه‌ی شناخت نیازها و پاسخ‌گویی به آن‌ها و همین‌طور کمبود فعالیت‌های علمی، فرهنگی و تفریحی در محله‌ها کنار گذاشت. اما در صورتی که این فعالیت تجدید نظر شود و با محتوا و روش‌های خلاق و نوآورانه و متناسب با وقت و توانایی دانش‌آموزان همراه باشد، می‌تواند به تقویت حس مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان، میل به یادگیری عمیق‌تر مطالب درسی، سازمان دادن اوقات خود و لذت انجام کار فردی و مستقل از دیگران بینجامد. بررسی تکالیف منزل دانش‌آموزان در کلاس، همچنین می‌تواند آگاهی معلمان را در مورد شرایط کودک در خانه،

از نظر چگونگی کمک اولیا و کمبودهای احتمالی خانواده، از نظر عاطفی، فرهنگی و اجتماعی، آشکار و معلمان را به انجام اقدامات متناسب جبرانی تشویق کند. اصلاح وضعیت تکلیف شب در مدارس نیازمند همکاری و مشارکت فعال مدیر، نیروهای آموزشی و پرورشی مدرسه و والدین دانش‌آموزان است. مدیران مدارس ما در ایران عمدتاً دانش، آگاهی و تجربه‌ی لازم را برای شناخت مشکلات در اختیار دارند و اگر از حمایت و آزادی عمل لازم برخوردار باشند، خواهند توانست از عوامل مهم ایجاد تغییر و تحول و بهبود وضعیت مدرسه باشند.

نتایج یکی از پژوهش‌هایی که در سال‌های گذشته درباره‌ی بررسی عملکرد مدیران مدارس در ایران و انتظارات آنان انجام گرفته است (بازرگان، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد، اکثر مدیران تمایل خود را برای ایفای نقش رهبری آموزشی و تصمیم‌گیری در مورد بهبود شرایط مدرسه ابراز داشته‌اند. مدیران، با ابراز نارضایتی از وظایف روزمره‌ی خود از قبیل رسیدگی به امور اداری، خدماتی، ساختمانی و راه اندازی امور غیرمنتظره که بیشترین وقت مفید آنان را در روز به خود اختصاص می‌دهد، مایل‌اند مسئولیت‌های بیشتری در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در امور آموزشی و پرورشی، در بهبود اوضاع مدرسه، به‌عهده داشته باشند.

اقدام پژوهشی، روشی کارا برای بهبود شرایط و ایجاد تحول در مدرسه

یکی از روش‌های مؤثر پژوهش که می‌تواند به ایجاد تغییر و تحول در برنامه‌ها و تغییرهای درونی هر مدرسه، از جمله اصلاح وضعیت تکلیف شب دانش‌آموزان کمک کند، اقدام پژوهشی یا پژوهش ضمن عمل است. این نوع تحقیق که در بسیاری از مدارس کشورهای پیشرفته انجام می‌گیرد، نیازمند همکاری نزدیک محققان دانشگاهی و معلمان مدارس است، بدین معنی که محققان با حضور در

مدرسه (به درخواست مدیران و به منظور کمک به حل مشکلات مدرسه) مسائل مربوط به یادگیری یا رفتاری دانش‌آموزان را به اتفاق معلمان بررسی می‌کنند و با جمع‌آوری شواهد و اطلاعات لازم، راه مناسب را برای حل مشکل جست‌وجو می‌کنند. محققان، سپس در صورت لزوم، با ارائه‌ی آموزش‌های لازم به معلمان و آماده کردن آن‌ها، بر طراحی و اجرای پروژه‌ی مورد توافق معلمان و اولیا نظارت می‌کنند. در این روش، عاملان اصلی تغییر و بهبود شرایط مدرسه خود معلم‌ها هستند، اما حضور محققان در مدرسه در طی دوره‌ی تحقیق، به عنوان افراد مرجع، انگیزه و توانمندی‌های لازم را در معلمان و کارکنان برای طراحی و اجرای پروژه ایجاد می‌کند. از دیگر مزایای این نوع روش تحقیق در مدرسه این است که معلم را آماده می‌سازد در حل مشکلات بعدی، به‌طور مستقل، با جلب همکاری مسئولان آموزشی و اولیای دانش‌آموزان پیش‌قدم شوند و تغییرات مورد نیاز را به وجود آورند.

تکلیف شب تنها یکی از مسائل عدیده‌ی آموزش و پرورش در مدرسه است، اما توجه ویژه برای بهبود وضعیت آن، نه تنها به یادگیری بهتر دانش‌آموزان منجر خواهد شد، بلکه بر رابطه‌ی بین مدرسه و خانواده، دانش‌آموز و معلم و بهبود جو اجتماعی روانی و یادگیری در خانه و مدرسه تأثیرات مثبتی خواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها

1. Edith Aubet
2. Organization for Economic co - operation and Development

منابع

۱. بازرگان، زهرا (۱۳۸۶). تغییر و نوآوری در مدرسه. انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۲. همان (۱۳۹۵)، باز مدرسه، باز هم تکلیف شب. مجله‌ی پیوند. انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
3. Montreal Families (2015) Does Homework Improves Marks? 15 sept. 2015.
4. Beliveau, M.E (2009), Les devoirs et lecons, Chu, Saint-Justine.
5. Study: Homework Matters More In Certain Countries.
6. www.usnews.com/artices/2015/01/05.

این بخش با خاطره‌ها و تجربه‌های شما معلمان پُر بار می‌شود.
لطفاً برای ما از خاطره‌ها و تجربه‌هایتان بگویید.

برنج‌های جادویی

اشرف السادات فخیم‌پور

مربی پیش‌دبستانی پسرانه حضرت جواد الائمه (ع) ناحیه ۲ یزد
تصویرگر: نسیم نوروزی

تازه معلم شده بودم و می‌خواستم خودی نشان دهم، حرفی برای گفتن داشتم باشم و بگویم «معلم خالقی هستم!» بعد از کلی فکر و کلنجار رفتن با خودم و مرور آموزه‌های ضمن خدمت برای دست‌ورزی نوآموزان، «طرح درسی» را نوشتم و برای کار عملی و مشق شب، به تعداد نوآموزان، کلاس، مقداری برنج داخل کیسه ریختم و چند سنگریزه داخل هر کیسه گذاشتم.

سر کلاس رفتم و داستان کیسه‌های برنج را این‌گونه شروع کردم: «این برنج‌ها جادویی هستند. برنج‌ها را به خانه ببرید و داخل سینی بریزید و پاک کنید. موقع پاک کردن هر دانه، آرزوهایتان را به دانه‌های برنج بگویید و بعد برنج‌ها را گوشه‌ی حیاط بریزید تا کبوترهای مسافر حرم امام رضا (ع) آن‌ها را بخورند و آرزوهایتان را به امام (ع) بگویند تا برآورده شود.»

یکی از بچه‌ها با خوش‌حالی بلند شد و گفت: «خانم! یعنی بابای مرا هم می‌توانند زنده کنند؟»

نمی‌دانستم چه جوابی به او بدهم. از سکوتم فهمید که جوابی برای سؤالش ندارم. کنار میز آمد و آهسته گفت: «پس برنج‌ها جادویی نیستند!»



تولد در میز آموزگار



آن روز، همین که وارد کلاس شدم و خواستم پشت میز بنشینم، یک چیز خیلی سریع از زیر میزم رد شد و به طرف پنجره رفت. کلاس به هم ریخت. گریه‌ای وحشت‌زده به در و دیوار کلاس پنجه می‌کشید و دنبال راهی برای فرار بود. هرطور بود در را باز کردیم و گریه را بیرون کردیم. سر و صدا و هیجان بچه‌ها که فروکش کرد، درس ریاضی را شروع کردم، اما دیدم باز صدای پیچ‌پیچ می‌آمد. پرسیدم: «باز چه خبر شده؟»

بچه‌هایی که جلوتر نشسته بودند، گفتند: «آقا از توی میز تون صدای میومیمو می‌آد.»

صدای خنده بلند شد و من گفتم: «ساکت باشید ببینم این‌جا چه خبره؟»

کلید انداختم و کشوی میز را باز کردم. باورم نمی‌شد، چند تا بچه گریه‌ی کوچولو توی کشوی میزم بودند. هنوز چشمانشان بسته بود و خیلی آرام میومیمو می‌کردند. معلوم بود تازه یکی دو روز است به دنیا آمده‌اند. بچه‌ها دور میز از سر و کول هم بالا رفتند که تماشای این منظره را از دست ندهند. فکر کردم، وقتی کشو قفل بوده است، این خانم گریه‌چطور آمده توی کشو. متوجه شدم یک شکاف خیلی باریک پایین کشو هست. واقعا عجیب بود که گریه توانسته بود از این شکاف وارد بشود! به کمک آقای مدیر و خانم سرایدار، بچه‌گریه‌ها را گذاشتیم توی کارتون و بردیم داخل حیاط تا مادرشان بیاید و آن‌ها را ببرد. می‌خواستم دوباره سر درس ریاضی، اما نظرم عوض شد. به بچه‌ها گفتم کتاب علومشان را باز کنند و فصل مربوط به آشیانه‌ی جانوران را بیاورند. بعد درباره‌ی حیوانات و اینکه چطور از بچه‌هایشان مراقبت می‌کنند، حرف زدیم.

بچه‌ها هیجان‌زده بودند و با ذوق و شوق گوش می‌کردند.

درس آن روز ما پر بود از شادی و خنده. از بچه‌ها پرسیدم، اشتباه این خانم گریه چه بوده؟ هر کس چیزی گفت و ما با شادی چیزهای زیادی از هم آموختیم.

اما این قصه فردای آن روز هم تکرار شد. خانم گریه و بچه‌هایش دوباره به میز من اسباب‌کشی کرده بودند. باز مجبور شدیم همان کارهای روز قبل را تکرار کنیم و هم به بچه‌گریه‌ها را بیرون ببریم و هم میز را. این بار هیجان‌مان کمتر بود و رسیدیم چند عکس هم با خانم گریه و بچه‌هایش بگیریم. بعد با بچه‌ها درباره‌ی مهر مادری در جانوران گفت‌وگو کردیم. درباره‌ی محبت خداوند و هدایتش نسبت به موجودات هم حرف زدیم.

آن روز و روز پیش همه به زحمت افتادند. میز آموزگار را بیرون بردند و شستند. وسایل کشو هم غیرقابل استفاده شد، اما کلی شاد شدیم، روحیه و انگیزه گرفتیم و با شور و نشاط چیزهایی آموختیم. و من آموختم که معلم باید همیشه به هوش باشد و از تهدیدها به‌عنوان فرصت استفاده کند.

حیدر خورشیدوند
راهبر آموزشی
ناحیه‌ی دو خرم‌آباد



یک زنگ شاد با علوم

بتول صافی نجف‌آبادی
آموزگار پایه‌ی اول منطقه‌ی نجف‌آباد

علوم داشتیم و درس‌مان درباره‌ی جانورانی بود که می‌جهند. بچه‌ها قرار بود با اجازه‌ی بزرگ‌ترها حیوانات خانگی‌شان را به کلاس بیاورند.

یکی از بچه‌ها یک قورباغه آورده بود و من می‌خواستم برای بچه‌ها توضیح بدهم دست‌های جانورانی که می‌جهند، از پاهایشان کوتاه‌تر است. قورباغه مدام وول می‌خورد و بچه‌ها نمی‌توانستند کوتاه‌تر بودن دست‌هایش را تشخیص بدهند. یکی از بچه‌ها یک ماهی را در تنگ آورده بود. تصمیم گرفتیم قورباغه را توی تنگ بیندازیم. وقتی قورباغه شروع به شنا کرد، دست‌ها و پاهایش کاملاً معلوم شدند. بچه‌ها یکی‌یکی آمدند و دست و پاهای قورباغه را از نزدیک دیدند. بعد هم خرگوشی را که یکی دیگر از بچه‌ها آورده بود، کنار تنگ آوردیم. به بچه‌ها گفتم تصور کنید اگر خرگوش را در آب بیندازیم، دست‌ها و پاهایش چه شکلی می‌شود. بچه‌ها یکی یکی حیواناتشان را کنار تنگ می‌آوردند و درباره‌ی چگونگی حرکت حیوانات در آب با همدیگر صحبت می‌کردند.

آن روز بدون اینکه متوجه گذشت زمان باشیم، ساعتی شاد، شیرین و دلچسب را باهم سپری کردیم. من فکر می‌کردم، اگر همین مطلب را به‌طور شفاهی به بچه‌ها آموزش می‌دادم، خیلی زود آن را فراموش می‌کردند، اما وقتی آموزش عملی، عینی و ملموس باشد، یادگیری ساده، آسان و ماندگار می‌شود.



– بچه‌ها! دفترهای نقاشی‌تان را بردارید و شروع کنید!
همه مشغول شدند، به جز او! دست‌های ظریف و کوچکش می‌لرزیدند. با تردید، مداد سیاهش را بیرون آورد. نگاه نگرانش به اطراف چرخید، اشک در چشمانش حلقه زد و به آرامی روی گونه‌اش لغزید.

به سمتش رفتم و صدایش کردم: «مهدا!»
به هق‌هق افتاد. تنها چیزی که دیدم؛ چشمان گریانیش بود و قلمی که بی‌اختیار در دست لرزانش می‌چرخید. اولین بار نبود که به خاطر نقاشی گریه می‌کرد. خود را ناتوان می‌دید. انگار مداد با دستش غریبه بود.

صفحات دفترش را ورق زد و نقاشی‌های قبلی‌اش را با هم نگاه کردیم. باید کاری می‌کردم تا خودش را بیشتر باور کند. جملاتی را که در ذهنم می‌چرخید بر زبان آوردم: – مهدا جان! نفس عمیق بکش! تو می‌توانی. دستانت قدرت کشیدن هر آنچه را بخواهی دارد. تو می‌توانی زیباترین تابلوی نقاشی را خلق کنی!

به آخرین نقاشی که رسیدیم، گفتم: «به‌به! ببین با انگشتان ظریف‌ت چه نقاشی زیبایی کشیده‌ای! نفس عمیق بکش و شروع کن!»

چشمانش را بست و نفس عمیقی کشید. دستش را گرفتم و با هم شروع به کشیدن کردیم. دست کوچکش هنوز در دستانم می‌لرزید. مداد را محکم می‌فشرد و با زحمت روی کاغذ حرکت می‌داد. ادامه دادیم، در حالی که جمله‌های مثبت را برایش تکرار می‌کردم. کم‌کم آرام گرفت، لبخندی زد و تنها پیش رفت. بارها این لحظات را با هم تجربه کرده بودیم.

چند ماهی از شروع سال تحصیلی ۹۶-۹۵ در پیش دبستانی حضرت جواد(الایمه ع) ناحیه‌ی یک می‌گذشت. یک روز، طنین صدایی مرا به وجد آورد. صدای ورق زدن کاغذ و لحن زیبای کودکان‌های مهدا که به دوستش می‌گفت: «تو می‌توانی! ببین چه نقاشی زیبایی کشیدی! نفس عمیق بکش!»

نفس عمیق بکش!

مهدیه السادات ابطحی
معلم پیش دبستانی
ناحیه یک یزد



نوآوری‌های یک معلم در آموزش املا و ریاضی

عذرا قدبیگی
شهرستان شازند

بودند روی برگه بنویسند. در پایه‌های بالاتر می‌توانند موضوعی انتخاب کنند و با استفاده از کلمات یا معنی آن‌ها متن طنزآمیز، داستان یا شعری را در چند سطر بنویسند. در پایه‌ی ششم نیز برای زیبا شدن نوشته‌ی خود می‌توانند از تشبیه، کنایه، مبالغه، اغراق، ضرب‌المثل و... استفاده کنند. این ارزشیابی می‌تواند هر ماه دو بار سرکلاس انجام شود. این روش برای دانش‌آموزانی که در حافظه‌ی دیداری ضعیف هستند بسیار مؤثر است.

دانش‌آموزان گفته می‌شود درس جدید فارسی را که از آن املا گفته نشده، باز کنند و به مدت پنج تا هفت دقیقه آن را با دقت بخوانند و زیر کلمه‌های جدید و کلمه‌هایی که ارزش املائی دارند، با مداد خط بکشند و آن‌ها را به ذهن خود بسپارند. بعد از تمام شدن زمان اختصاص داده شده، باید کتاب‌های فارسی خود را جمع کنند و داخل کیف قرار دهند. سپس یک برگه بردارند و کلمه‌هایی را که در ذهن نگه داشته

مقدمه: در این شماره و در این بخش، چهار تجربه‌ی آموزشی از معلمی خلاق به دست ما رسید که فکر کردیم هر چهار تجربه را یک‌جا بیاوریم. به امید اینکه راهنمای راه آموزگاران جوان باشد.

تجربه‌ی اول: املا‌ی داستانی

این روش املا بدون هماهنگی قبلی با دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. به

اینکه نفر دوم ببیند، بنویسند. کلماتی که دانش‌آموزان می‌نویسند باید ارزش املائی داشته باشد. در این مسابقه، دانش‌آموزی امتیاز بیشتری می‌گیرد که در مدت‌زمان کمتر، تعداد کلمه‌های بیشتر، با غلط‌های کمتر و کلمات مهم‌تری بنویسد. در پایان مسابقه، دانش‌آموزان برنده با بازخوردهای شفاهی تشویق می‌شوند و دانش‌آموزانی که اشکالاتی در نوشتن دارند، با ارائه‌ی بازخورد شفاهی، متوجه اشکالات خود خواهند شد.

۲. دانش‌آموزان می‌توانند با هم نیمکتی‌های خود به‌صورت دو نفری و با استفاده از یک برگ کاغذ سفید و تلق شفاف روی آن (تخته وایت‌برد ارزان) با ماژیک وایت‌برد این مسابقه را اجرا کنند و به یکدیگر امتیاز دهند.

تجربه‌ی دوم: فعالیت دست‌ورزی به صورت مسابقه

بعد از تدریس درس جدید ریاضی، به صورت تصادفی، دو گروه از دانش آموزان را انتخاب می کنیم تا پای تخته ی کلاس بیایند. سپس از هر گروه یک نفر گزینش می شود (بیشتر دانش آموزان ضعیف). وسایل مورد نیاز دستورزی درس جدید را در اختیار دو دانش آموز گزینش شده قرار می دهیم. بعد از این مرحله، یک سؤال طرح می شود که دو دانش آموز باید در مدت زمان تعیین شده و با استفاده از وسیله هایی که در اختیار دارند، جواب سؤال یا مسئله را پیدا کنند. دانش آموزی برنده ی مسابقه است که در زمان کمتر و با دقت بیشتری بتواند پاسخ درست را



۱. به دانش‌آموزان گفته می‌شود یک درس از فارسی خوانداری را با دقت بخوانند. بعد از اینکه مطالعه‌ی درس تمام شد، باید کتاب‌های خود را ببندند. سپس دانش‌آموزان را دو نفر دو نفر پای تخته‌ی کلاس می‌آوریم و از آن‌ها می‌خواهیم با کشیدن خط، تخته را نصف کنند. دو دانش‌آموز در مدت‌زمان مشخص شده (مثلاً ۳ دقیقه) به‌طور هم‌زمان باید کلماتی از درس را، بدون



طریق شمردن سرامیک‌های طول و عرض و اندازه‌گیری با مترهای بزرگ به‌دست آورید.

تجربه‌ی سوم: بازی ریاضی

برای اینکه دانش‌آموزان بهتر بتوانند یک نقطه را با توجه به مؤلفه‌های افقی و عمودی روی محور مختصات پیدا کنند و یادگیری درس مختصات برای آن‌ها تثبیت شود، بعد از تدریس درس مختصات، در همان جلسه یا جلسه‌ی بعد، یا در زنگ‌های ورزش یا هنر، این بازی را با دانش‌آموزان انجام می‌دهیم:

۱. سر کلاس یا حیاط مدرسه با گچ دو محور افقی و عمودی که همدیگر را قطع کنند، روی زمین می‌کشیم. هر محور را از عدد یک تا ده شماره‌گذاری می‌کنیم. اعداد محورهای افقی و عمودی را با خط‌کش به‌هم وصل می‌کنیم تا صفحه‌ای شطرنجی درست شود؛

۲. دانش‌آموزان را براساس نام اشکال هندسی گروه‌بندی می‌کنیم؛

۳. برای اعضای گروه نقاطی روی محور مختصات مشخص می‌کنیم (هر نفر یک نقطه)؛

۴. دانش‌آموزان گروه باید بازی را با حرکت لی‌لی از مبدأ محور مختصات شروع کنند تا به نقطه‌ی مشخص شده‌ی خود برسند؛

۵. زمانی که به نقطه‌ی موردنظر رسیدند، باید به‌صورت شفاهی یا کتبی بیان کنند برای رسیدن به مقصد از مبدأ محور چند خانه به سمت جلو (مؤلفه‌ی افقی) و چند خانه به سمت بالا (مؤلفه‌ی عمودی) حرکت کرده‌اند؛

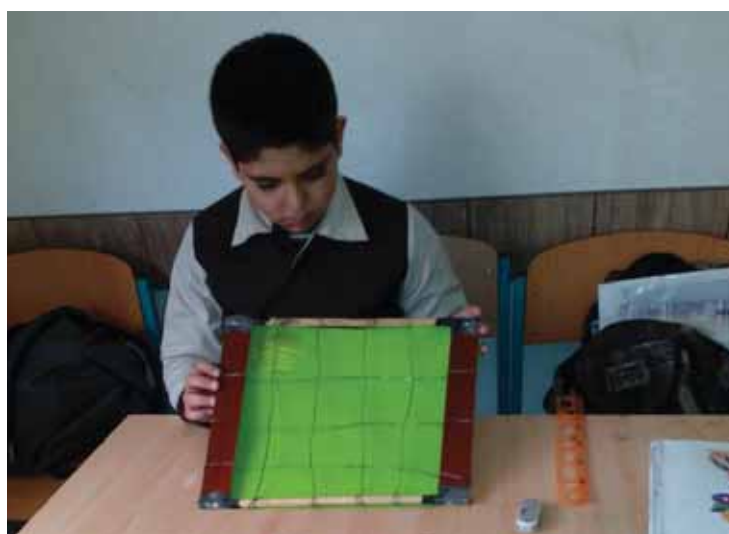
۶. بعد از اینکه تمام اعضای گروه با بازی لی‌لی به نقاط مشخص شده رسیدند، یک نفر از اعضا باید نقطه‌ها را به هم وصل کند و شکلی را که به‌دست می‌آید نام‌گذاری کنند. گروه‌ها باید دقت کنند افراد گروه برای رسیدن به نقاط موردنظر حرکت اشتباهی انجام ندهند، چون با اشتباه اعضا، کل گروه می‌سوزد.

روش دیگر این بازی این است که روی کارت‌های کوچک اعدادی نوشته می‌شوند (مثلاً برای هر دانش‌آموز دو عدد). جلوی اعداد باید مسیر حرکت به سمت جلو (مؤلفه‌ی افقی) و به سمت بالا (مؤلفه‌ی عمودی) تعیین شود. دانش‌آموزان با توجه به راهنمایی که در دستشان است، بازی را آغاز کنند. در پایان بازی در جایی که توقف می‌کنند باید با یک نقطه مشخص نمایند. وقتی مسیر حرکت نفر اول تمام شد، به ترتیب نفرات بعدی گروه، بازی را شروع می‌کنند. در پایان بازی، گروه‌ها باید مسیر حرکت خود را با گچ کنار صفحه‌ی بازی بنویسند و سپس نقطه‌ها را به

هم وصل کنند. به دانش‌آموزان توضیح می‌دهیم برای رسیدن به هر نقطه چند خانه به سمت جلو و چند خانه به سمت بالا حرکت کرده‌اند. در این بازی گروه‌هایی که دقت بیشتری دارند بیشتر تشویق می‌شوند و با دادن بازخوردهای شفاهی به دانش‌آموزان اگر اشکالی داشتند سعی در برطرف نمودن آن می‌کنند. برای یادگیری بهتر دوران ۱۸۰ درجه نیز از این بازی کمک می‌گیریم. روش به این صورت است که از یکی از دانش‌آموزان می‌خواهیم روی صفحه قرار بگیرد و یک توپ را به‌عنوان مرکز تقارن روی صفحه‌ی شطرنجی می‌گذاریم و از دانش‌آموز می‌خواهیم تا ۱۸۰ درجه حول توپ بچرخد. توجه گروه‌ها را به نحوه قرار گرفتن دانش‌آموز موردنظر روی صفحه جلب می‌کنیم.

تجربه‌ی چهارم: ساختن وسایل کمک آموزشی توسط دانش‌آموزان (ریاضی و هنر)

بعد از آموزش درس جدید ریاضی و آشنا شدن کامل دانش‌آموزان با فعالیت‌های موردنظر درس، یکی از فعالیت‌های عملی که می‌خواهیم انجام دهند، ساخت یک وسیله‌ی کمک آموزشی برای فعالیت جدید درس به‌صورت گروهی است. این ارزیابی





دو هفته یکبار یا ماهیانه، برای ایجاد تنوع در درس ریاضی صورت می‌گیرد. بعد از اینکه درس جدید ریاضی آموزش داده و فعالیت‌های کار در کلاس انجام شد، از فراگیرندگان می‌خواهیم وسایل موردنیاز ساخت وسیله را به‌صورت گروهی برای جلسه‌ی آینده آماده کنند. این روش ارزشیابی از درس ریاضی، به‌صورت کار عملی، به روزهایی اختصاص داده می‌شود که در آن روز دانش‌آموزان هم درس ریاضی و هم هنر داشته باشند. چون ممکن است در زنگ ریاضی فرصت کافی برای ساخت وسیله‌ی موردنظر نداشته باشند. یا زمان باقی‌مانده اجازه‌ی ساخت وسیله‌ی موردنظر را به آن‌ها ندهد. به همین علت، این نوع فعالیت را با درس هنر تلفیق می‌کنیم تا دانش‌آموزان بتوانند سرکلاس هنر ادامه‌ی کار خود را انجام دهند. این فعالیت هنری نیز محسوب می‌شود. شرط امتیاز گرفتن دانش‌آموز در این نوع ارزشیابی آن است که باید وسیله‌ی کمک‌آموزشی را به‌صورت گروهی بسازند و سؤالی طرح کنند که بتوانند پاسخ آن را با آن وسیله به‌دست آورند. مثال‌های زیر چند نمونه از روش ساخت وسیله‌های کمک‌آموزشی است که دانش‌آموزان می‌توانند بسازند.

۱. برای درس تقریب زدن (فعالیت گرد کردن) از دانش‌آموزان می‌خواهیم یک

تخته‌ی چوبی به ضخامت ۶ سانتی‌متر و طول ۲۰ سانتی‌متر، سیمی مفتولی به طول ۴۰ سانتی‌متر، چند عدد توپ کوچک مانند توپ تنیس و سیم‌چین سر کلاس بیاورند و با هم‌فکری، خلاقیت و در صورت نیاز با راهنمایی معلم، آن را بسازند تا بتوانند با آن چند عدد را بدون فرمول‌های ریاضی گرد کنند. برای تقریب زدن به روش قطع کردن و گرد کردن، دانش‌آموزان می‌توانند به کمک برگ کاغذ و یک تلق شفاف دستگاه تقریب‌زن بسازند و به راحتی تقریب بزنند. (قابل استفاده در ریاضی پنجم، البته بدون ذکر نام روش و نیز ششم).

برای این کار، جدول ارزش مکانی را با خودکار روی برگ کاغذ شماره‌ی ۱ در سایز دلخواه (مثلاً ۱۰ سانتی‌متر در ۱۰ سانتی‌متر) رسم می‌کنیم. سپس به همان اندازه برگه‌ی دیگری را مطابق تقسیم‌بندی جدول ارزش مکانی قبلی تقسیم‌بندی می‌کنیم و وسط هر کدام عدد صفر را می‌نویسیم. برگه‌ی شماره‌ی ۲ و تلق شفاف را از روی خطوط جدول تا نیم‌سانتی‌متر مانده به بالای کاغذ قیچی می‌کنیم. سپس دو برگه را روی هم قرار می‌دهیم و تلق را روی آن‌ها می‌گذاریم و با استفاده از منگنه یا چسب ثابت می‌کنیم. حالا به راحتی می‌توان اعداد را با ماژیک روی آن نوشت. برای تقریب زدن کافی است برگه‌ی ۲ را از جایگاه تقریب به سمت بالا برگردانیم تا صفرها نمایان

شوند. برای گرد کردن هم می‌توانند خودشان یک واحد به رقم قبل از جایگاه تقریب اضافه کنند.

۲. برای ضرب مساحتی، با استفاده از یک قاب چوبی یا پلاستیکی به شکل مستطیل و سیم مفتولی، مقواهای رنگی، تلق رنگی، چسب و قیچی، وسیله‌ای به نام «پنجره‌ی سیمی» می‌سازیم. پنجره‌ی ساخته شده به‌صورت یک توری مشبک می‌شود که فراگیرندگان می‌توانند ضرب مساحتی اعداد اعشار را نیز با کمک آن انجام دهند. یا از وایت‌برد ارزان (کاغذ و تلق) و ماژیک استفاده کنند.

۳. ساخت یک وسیله برای درس مختصات به‌وسیله‌ی تلق شفاف و کاغذ شطرنجی، ساخت نقاله‌ی مقوایی بزرگ برای چرخش نقاط روی صفحه‌ی مختصات (کف سرامیک شده‌ی کلاس) در درس دوران ۱۸۰ درجه.

۴. ساختن زاویه‌هایی در اندازه‌های متفاوت با دو تکه مقوای یک میخ و یا چوب و پیچ.

وسایلی که برای ساخت وسیله‌ی کمک‌آموزشی به آن‌ها اشاره شد پیشنهادی بودند. دانش‌آموزان می‌توانند ابزار و وسایل دیگری را برای ساخت وسیله‌ی خود انتخاب کنند و حتی با راهنمایی والدین و ابتکار و خلاقیتی که خودشان دارند، از ابزارهای دیگر نیز استفاده کنند.

بدون استرس

گزارشی کوتاه از مدرسه‌ای در آلمان که به صورت چندپایه اداره می‌شود

صغری حق دوست
مدیر مدرسه‌ی دکتر حسابی مشهد

درس را هم خود دانش‌آموزان و معلمان تعیین می‌کنند

۷. کلیه‌ی پایه‌ها در آموزشگاه مشغول به تحصیل هستند.

۸. هیچ مطلب درسی اجباری وجود ندارد و دانش‌آموزان با توجه به وضعیت جسمانی خود، صبح همان روز در جریان آموزش قرار می‌گیرند. موضوعات درسی خود را انتخاب می‌کنند، به این معنی که برنامه‌ی درسی ثابتی ندارند.

۹. نظر مستقیم دانش‌آموزان در انتخاب معلمان کلاس تأثیر دارد.

۱۰. کلاس‌ها به صورت چندپایه برگزار می‌شوند؛

دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم در یک

پروژه‌های درسی و داخل یا خارج از مدرسه اجرا می‌شوند. اجتماعی شدن، مستقل شدن و افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان هدف است.

۵. به علاقه‌مندی‌های دانش‌آموزان بها داده می‌شود. اصل اساسی این است که آن‌ها براساس علاقه‌ی خود رشد کنند.

۶. به جای گروه‌های کلاسی، گروه‌های آموزشی درست شده‌اند و هیچ آموزش عالی و تنظیم‌شده‌ای وجود ندارد. دانش‌آموزان روش منحصر به فرد خود را برای یادگیری انتخاب می‌کنند. در نهایت ایده‌های دانش‌آموزان و پیشنهاد معلمان بر هم منطبق می‌شوند و سپس همگی برای کشف موضوع درسی سخت کار می‌کنند. نکته این است که موضوع

روز یک‌شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۵ به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس مدرسه‌ی «prinzHofte-schulebassum» جشنی برپا بود. بعد از پایان برنامه اجازه دادند از مدرسه بازدید و با کارکنان مدرسه، اولیا و دانش‌آموزان گفت‌وگو کنیم. به این مدارس، مدرسه‌های بدون استرس می‌گویند که اکنون به تعداد بسیار محدود در اروپا وجود دارند، ولی رو به گسترش‌اند.

این مدرسه نزدیک شهر برمن در آلمان قرار گرفته است. وسعت و زیبایی چشم‌نوازی دارد و کاملاً اولیا و بچه‌ها آن را سیاست‌گذاری و اداره می‌کنند.

ویژگی‌های شاخص این آموزشگاه

۱. هدف از تأسیس چنین آموزشگاه‌هایی این است که کودکان را برای زندگی بهتری آماده کنند و همراه با توجه به علائق دانش‌آموزان، شاهد پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی آنان باشند.

۲. بچه‌های بزرگ‌تر یاد می‌گیرند در عین شادی و با مسئولیت از بچه‌های کوچک محافظت کنند.

۳. هر کس اجازه دارد چندین بار اشتباه کند. هدف این است که بچه‌ها را مستقل و توانمند بار آورند تا خود بتوانند بر مشکل غلبه کنند.

۴. ۸۵ درصد برنامه‌های آموزشی به صورت





کلاس و پایه‌های سوم و چهارم در یک کلاس، پایه‌های پنجم و ششم در یک کلاس، پایه‌های هفتم و هشتم و نهم در یک کلاس و پایه‌ی دهم در یک کلاس هستند. ظرفیت هر کلاس ۲۵ نفر تعیین شده است.

۱۱. برای پایه‌های اول تا نهم دو یا سه معلم و برای پایه‌ی دهم یک معلم در نظر گرفته شده است.

۱۲. معلمان تا کلاس نهم همراه با دانش‌آموزان بالا می‌روند.

۱۳. کارنامه‌های دانش‌آموزان تا کلاس نهم به‌صورت توصیفی است و در سال آخر به‌صورت کمی نشان داده می‌شود.

۱۴. معلمان با رأی دانش‌آموزان و اولیا انتخاب می‌شوند.

۱۵. از کلاس اول، دانش‌آموزان در یک دوره‌ی وکالت یا قضاوت شرکت می‌کنند و مدرک آن را می‌گیرند. وقتی مشکلی بین دانش‌آموزان ایجاد می‌شود، دادگاهی در مدرسه تشکیل و تمام موارد بحث و بررسی می‌شود.

۱۶. دانش‌آموزان بزرگ‌تر وظیفه‌ی آموزش دروس عملی را به دانش‌آموزان کوچک‌تر برعهده دارند و این جزو ساعت درسی آن‌ها حساب می‌شود.

۱۷. معمولاً دانش‌آموزانی که مشکلات آموزشی دارند یا به‌دلیل استرس زیاد قادر به تحصیل در مدارس دولتی نیستند، می‌توانند به‌صورت مهمان به این مدارس بیایند و یک ماه در کلاس‌ها حضور یابند و در صورت تأیید خانواده و دانش‌آموز، در این مدرسه ثبت‌نام کنند.

۱۸. هر ماهه عملکرد مدرسه را خود بچه‌ها بررسی و تجزیه تحلیل می‌کنند و نتیجه در سایت مدرسه ثبت می‌شود. علاوه بر آن، دیدگاه‌ها، کارشناسی‌ها و استادان نیز ارزیابی می‌شوند. ساعت مدرسه از ۸ تا ۱۵ است و هزینه‌ی تحصیل هر دانش‌آموز ۷۷۰ یورو است.



آموزگاری از دانش‌آموزان کلاس خواست نام همه‌ی همکلاسی‌هایشان را روی دو برگ کاغذ بنویسند و بین هر اسم با دیگری هم فاصله بگذارند. سپس از آن‌ها خواست بهترین حرف‌ها، خاطره‌ها و آنچه را خودشان می‌دانند، درباره‌ی تک‌تک هم‌کلاسی‌هایشان بنویسند. ساعت کلاس آن روز برای این کار سپری شد. دانش‌آموزان پس از پایان کلاس برگه‌هایشان را تحویل آموزگار دادند.

هم کلاسی

مترجم: مجید عمیق
تصویرگر: نسیم نوروزی

فردای آن روز که جمعه بود، آموزگارشان اسامی تک‌تک دانش‌آموزان را روی برگه‌های جداگانه نوشت و زیر هر کدام از آن‌ها، همه‌ی حرف‌هایی را که دانش‌آموزانش درباره‌ی صاحب آن اسم نوشته بودند، یادداشت کرد.

روز شنبه، پس از ورود به کلاس، اسامی بچه‌ها را صدا زد و برگه‌ی مربوط به هر کدام را تحویل خودشان داد. بچه‌های کلاس با خواندن آنچه درباره‌شان نوشته شده بود، می‌خندیدند و حیرت‌زده می‌گفتند: واقعا؟ و آموزگار نخواست آن‌ها را می‌شنید که می‌گفتند: «راستش فکر نمی‌کردم تا این اندازه برای هم کلاسی‌هایم مهم باشم! یعنی این قدر من را دوست داشتند که از آن بی‌خبر بودم؟» اکثر بچه‌ها چنین حرف‌هایی را نجوا می‌کردند.

پس از آن، هیچ‌کدام از بچه‌ها درباره‌ی مطالب برگه‌هایشان حرفی نزدند. آموزگار هم هرگز با خبر نشد که آیا آن‌ها پس از زنگ کلاس، درباره‌ی برگه‌هایشان با یکدیگر حرف زده‌اند یا خیر؟ یا اینکه آن‌ها در این باره با پدر و مادرهایشان حرف خواهند زد یا خیر؟ اما این چیزها مهم نبود. آنچه ارزش داشت، این بود که این کار با همکاری صمیمانه‌ی بچه‌ها به خوبی انجام گرفته بود.

سال‌ها گذشت و یکی از این دانش‌آموزان به نام مارک، در جبهه‌ی جنگ کشته شد. و آموزگارش در مراسم تشییع جنازه‌اش شرکت کرد، او هرگز یک فرد نظامی را در تابوت ارتشی ندیده بود. پیکر بیجان او نیز زیبا بود. هم‌کلاسی‌هایش برای مراسم تشییع



آمده بودند. آن‌ها یکی یکی کنار تابوت می‌آمدند و برای شادی روحش دعا می‌کردند. آموزگار هم آخرین نفری بود که کنار تابوت آمد.

یکی از سربازانی که به حالت احترام کنار تابوت ایستاده بود، به آموزگار نزدیک شد و گفت: «آیا شما آموزگار ریاضی مارک بوده‌اید؟ و او سرش را به علامت تصدیق تکان داد. سپس سرباز به او گفت: «مارک درباره‌ی خوبی‌های شما خیلی حرف می‌زد.»

پس از پایان مراسم تشییع، اکثر هم‌کلاسی‌هایش در سالن ناهارخوری حاضر شدند. پدر و مادر مارک هم آنجا بی‌صبرانه منتظر بودند با آموزگار فرزندشان چند کلمه‌ای حرف بزنند.

پدر مارک گفت: می‌خواهم چیزی

نشانان دهم. بعد کیف چرمی کوچکی را از جیبش بیرون آورد و گفت: «وقتی پسرم کشته شد، این کیف چرمی توی یکی از جیب‌هایش بود. من و مادرش فکر می‌کنیم این چیز برای همه‌ی شما آشناست؟» پدر مارک با احتیاط تاهای برگه‌ای رنگ و رو رفته را باز کرد. آموزگار مارک بدون آنکه برگه را نگاه کند، خیلی زود فهمید که یکی از همان برگه‌هایی است که خودش آن‌ها را نوشته بود و مربوط به حرف‌هایی می‌شدند که هم‌کلاسی‌های مارک درباره‌اش نوشته بودند.

مادر مارک گفت: «من از این کار بسیار سپاس‌گزارم و شما می‌بینید که فرزندم آن را مانند یک گنج با ارزش نگاه داشته بود.»

همه‌ی هم‌کلاسی‌های مارک دور پدر

و مادر او حلقه زدند. یکی از آن‌ها که از خجالت صورتش سرخ شده بود، گفت: «من هم برگه‌ام را نگاه داشته‌ام و آن را توی کشوی میز تحریرم گذاشته‌ام.» یکی دیگر از هم‌کلاسی‌ها گفت: «من هم برگه‌ام را توی آلبوم ازدواجم گذاشته‌ام.» و دیگری گفت: «من هم آن را لای دفترچه‌ی خاطراتم گذاشته‌ام»

و یکی دیگر هم در همان لحظه کیف چرمی‌اش را بیرون آورد و گفت: «اما من همیشه این برگه را همراه دارم و از خودم دورش نمی‌کنم.»

و در این لحظه بود که آموزگار مارک روی زمین نشست و های‌های شروع کرد به گریستن. او برای مارک و هم‌کلاسی‌هایش که دیگر او را نمی‌دیدند، اشک می‌ریخت.



با هم قصه بسازیم

مجید راستی
سردبیر رشد کودک

تبسمی بر لبانش نشست و گفت: «چه فکر خوبی! آفرین بر تو و بابایی که قصه ساختید. حالا من هم با تو قصه می‌سازم»... و مادر با فرزند خود قصه می‌سازد؛ یعنی باروری و خلاقیت ذهن که در آن تلاشی خود خواسته برای ساختن وجود دارد. قصه‌سازی، انگیزهای برای کشف کردن، برای هر چیز جای درست یا مناسب پیدا کردن، پازلی فرضی را چیدن و کامل ساختن است. به عبارت دیگر، نوعی طراحی همه‌جانبه است با جایگزینی صحیح و منطقی تک‌تک اجزا.

قصه‌سازی پدر یا مادر در کنار فرزند می‌تواند بستر یادگیری مؤثر، لذت‌بخش و خوشایند را برایش فراهم سازد و برای بچه، کودک و بزرگ‌تر مجال جست‌وجوگری را پدید آورد تا هر کدام از نقطه‌ای که در آن قرار دارند، حرکتی رو به جلو داشته باشند؛ به گونه‌ای که هیچ‌کدام از تفاوت‌های سنی و تجربی برای دیگری، نه تنها کوچک‌ترین مانعی ایجاد نکند، بلکه یکپارچه در ساختن فکر و خیالی در قالب یک پدیده به نام قصه‌ی مشارکتی، منسجم و یکپارچه باشد.

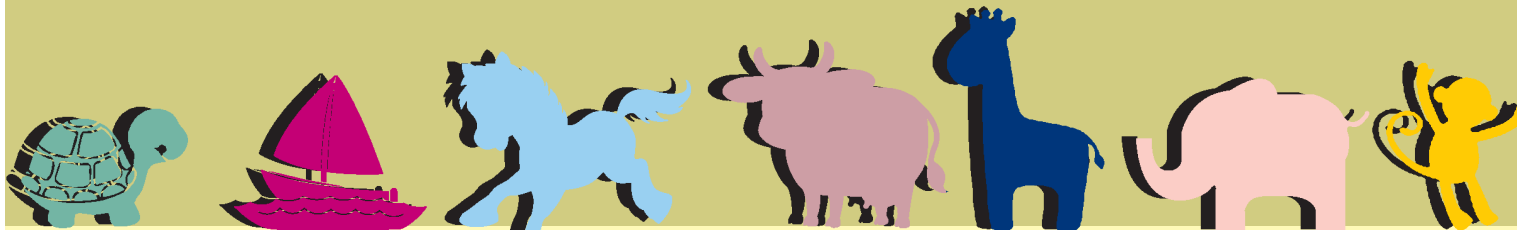
در قصه‌سازی، کودک و بزرگ‌تر همگام با هم پیش می‌روند و لذت یادگیری برای هر دو اتفاق می‌افتد. همه آگاهیم، وقتی یادگیری مبنای حرکت می‌شود، مفهوم اجبار و بایدها به خواستن تبدیل می‌شود و نتیجه‌ی می‌خواهم یاد بگیرم

نویسندگان از روش‌های متفاوتی برای قصه نوشتن یا آموزش قصه‌نویسی به شاگردان خود استفاده می‌کنند. یکی از راه‌های یادگیری برای قصه ساختن یا نوشتن، روش خلاقه است. در این شیوه‌ی قصه نویسی، یادگیرنده دانش قصه‌نویسی را توأم با تجربه می‌آموزد. می‌نویسد تا یاد بگیرد. بزرگ‌ترین حسن این روش همراه شدن قصه‌آموز و یادگیری عملی قصه‌نویسی است. او با این روش توانایی‌های ذوقی، فکری، خیالی و واقعی خود را به کار می‌گیرد و زبان و قلم را همراه می‌سازد.

در نوشتن خلاقانه، شاگرد استاد می‌شود و استاد شاگرد. و این دو مدام در حالت تعامل و همراهی پیش می‌روند. آن‌گاه اثر خلق می‌شود و استاد و شاگرد به مساوات از حظ خلق اثر بهره‌مند می‌گردند.

مادر گفت: «دخترم وقت خواب است. بیا سرجایت بخواب.» دختر بدو آمد و پرید توی رخت‌خوابش. او می‌دانست وقت شیرین شنیدن قصه است. هر شب همین‌طور بود. یک شب پدر برایش قصه می‌گفت و یک شب مادر. مادر نفس عمیقی کشید تا برای گفتن قصه آماده‌تر شود. یک‌بارہ دختر گفت: صبر کن مامانی. تو هم مثل بابایی که دیشب با من قصه ساخت، بیا قصه بسازیم.» مادر در آغاز اندکی شگفت‌زده شد. اما با درک سخن دختر،





فیل و کلاغ‌ها زیر درخت نشستند. باران هی بارید. هی بارید. اما آقا فیله و کلاغ‌ها خیس نشدند.»

دختر تندتند توی قصه جلو می‌رفت و مادر در کنارش. احساس رضایت در صورت مادر و دختر پیدا بود. دختر خمیازه‌ای کشید و کمی بعد با خیال راحت خوابید.

بچه‌ها در کنار هم، در بازی‌ها، در کارهای دستی و هر آنچه انجام می‌دهند، به نوعی از تخیل و ذوق سرشار خویش سود می‌جویند. گاهی قصه‌هایی که به اصطلاح ما بزرگترها «سر هم می‌کنند»، از خلاقیت و توانایی آنها در قصه‌سازی نشان می‌دهد. به یک معنا، بچه‌ها هم معلم‌های خوبی می‌توانند باشند برای ما بزرگترها!

اغراق نیست اگر گفته شود، پدر و مادرها در کنار فرزندان خویش انسان‌های خوش‌بختی هستند. چرا که همیشه می‌توانند از آنها بیاموزند. اما کودکان عموماً نسبت به بزرگترها بیشتر یاد می‌گیرند. پس کودکان خوش‌بخت‌ترند.

قصه‌سازی با فرزندان حسن‌های ریز و درشتی دارد که از دل واژه‌ها شکل می‌گیرند. یادگیری زبان که نمود رشد عینی انسان است و تعالی روحی انسان نیز از قصه‌سازی حاصل می‌شود.

تجربه‌ی همه‌ی دوره‌ها هم حکایت از اهمیت و ارزش قصه‌سازی و قصه‌پردازی در میان ملل گوناگون دارد. قصه‌هایی که حامل ارزش‌ها، نگرش‌ها، هویت‌های فردی انسان‌ها و ملی جوامع گوناگون هستند.



با دوست دارم یاد بگیرم، هم چند برابر و هم لذت بخش می‌شود. کسی از آموخته‌ها و زمان تحصیل خود به شادی توأم با لذت یاد می‌کند که علاقه و اشتیاق به یادگیری داشته باشد. چنین کسی هرگز نمی‌گوید فلان مطالب را به من یاد دادند.

دنیای قصه از بهترین قالب‌های یادگیری برخوردار است، چرا که نه تنها اختیاری، بلکه انتخابی است! اما در یاد دادن، یادگیرنده نوعی اجبار احساس می‌کند که در آن لذت و حظ روحی وجود ندارد.

دختر گفت: «مامانی، بیا با فیل یک قصه بسازیم.»

مادر گفت: «با فیل یا کلاغ؟»

دختر خندید و گفت: با هر دو بسازیم.

بعد هم غش غش خندید. حالا فیل و کلاغ بودند که در قصه ماجرا پیدا می‌کردند. مکان قصه جنگل شد که باران در آن به تندی می‌بارید. همه‌ی حیوانات به گوشه و کناری پناه بردند، جز فیل و کلاغ که دوستان صمیمی هم بودند.

دختر گفت: «آقا فیله زیر باران ماند. آقا کلاغه می‌خواست آقا فیله زیر باران نباشد. به آقا فیله گفت: بیا برویم به خانه‌ی من. آقا فیله جواب داد که آقا کلاغه، لانه‌ی تو هم بالای درخت است و هم برای من خیلی کوچک است. من باید به یک جای بزرگ بروم؛ به یک غار.»

همه می‌دانیم، بچه‌ها خیال‌پردازان خوبی هستند. راستگویان خوبی هستند. بخشندگان خوبی هستند. همراهان خوبی هستند. مشتاقان خوبی برای یادگیری هستند. شادی‌آفرینان خوبی برای بزرگترها هستند. بچه‌ها قصه‌پردازان خوبی هستند.

آقا کلاغه فکر کرد. دور و برش را نگاه کرد و یادش آمد غار خیلی دور است.

مادر پرسید: «دخترم پس آقا کلاغه برایش چه کار کرد؟»

دختر گفت: «معلومه مامانی، آقا کلاغه تندی پرید بالای درخت. دوستانش را خبر کرد. کلاغ‌ها یک عالمه آمدند. باهم قار و قار، قار و قار... فکر کردند. بعدش رفتند و برگ‌های بزرگ بزرگ آوردند!»

مادر گفت: «کلاغ که زورش نمی‌رسد یک برگ بزرگ را به تنهایی بیاورد.»

دخترک غش غش خندید و گفت: «مامانی، مگر ندیدی؟! تنهایی

که بیاوردند. چندتا چندتا برگ‌های بزرگ را آوردند.»

مادر پرسید: «حالا خودت بگو اصلاً برای چی برگ آوردند؟»

دختر گفت: «برگ‌ها را بالای درخت بزرگی پهن کردند و درخت را از برگ پوشاندند. درخت شد شکل یک چتر بزرگ! خیلی بزرگ!

وضو در حوض مثنوی

مهتری ماهوتی

دردسر

مردی دو کیسه‌ی سنگین پشت شتر گذاشته بود و می‌رفت. یکی از او پرسید: «چه می‌بری؟» گفت: «یک کیسه گندم و یک کیسه ریگ بیابان.» پرسید: «چرا ریگ؟» گفت: «برای اینکه دو کیسه هم وزن شوند و شترم اذیت نشود.»

یکی گفت: «ریگ‌ها را دور بریز و گندم‌ها را دو قسمت کن.» مرد همین کار را کرد. بار شتر سبک‌تر شد و او هم خوش حال و راضی با خودش فکر کرد بهتر است این مرد را هم پشت شترم سوار کنم. پرسید: «تو با این عقل و هوش، وزیری یا وکیلی؟» گفت: «نه.» پرسید: «حتماً خیلی ثروتمندی؟» گفت: «نه. منم و لباس تنم. عقل و هوشم چیزی جز خیال و دردسر برایم نداشت.»

شترسوار گفت: «ای دادا! برو برو. از من دور شو. می‌ترسم من هم به حال تو دچار شوم. راحت را از من جدا کن. تو از آن طرف برو، من از این طرف می‌روم. اصلاً تو جلو جلو برو، من پشت‌سر تو می‌روم. احمقی من از علم تو مبارک‌تر است. دانش بی‌نور و عقل کور تو از لطف خدا بهره‌ای ندارد. برو چیزی یاد بگیر که تو را به افلاک برساند و آن پادشاهی نصیب کند که محتاج خزانه و لشکر نباشد.»

منبع: از دفتر دوم مثنوی، نسخه‌ی نیکلسون، از بیت ۳۱۷۶



آه

مردی به مسجد می‌رفت. مردم را دید که دسته‌دسته برمی‌گشتند. پرسید: «چرا برمی‌گردید؟» گفتند: «با پیامبر (ص) نماز جماعت خواندیم. نماز تمام شد، حالا هر کس دنبال کار خودش می‌رود.» مرد به شدت ناراحت شد و از ته دل آه کشید. کسی گفت: «این آه که از دل کشیدی به من بده و نمازی که خواندم از من بگیر.»

مرد گفت: «آه من مال تو!» شب، مردی که آه را به قیمت نمازش خریده بود، خواب دید به او گفتند: «مژده! به حرمت آهی که خریدی، نماز همه قبول شد.»

منبع: مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون

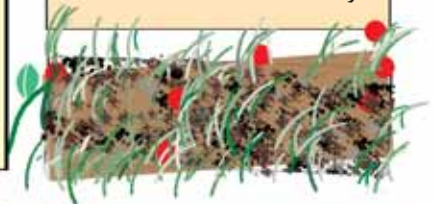


لطیفه‌های عیدزاکانه

گزینش و بازنویسی: علیرضا لبش

قرمه‌سبزی با غلط املائی

یکی از دیگر پرسید: «قرمه‌سبزی با قاف است یا با غین؟»
دیگری گفت: «قرمه‌سبزی نه با قاف است، نه با غین، قرمه‌سبزی با گوشت است.»



نام محرمانه زن شیطان

یک نفر از استادی پرسید: «نام زن شیطان چه بوده؟»
استاد گفت: «بیا تا خصوصی در گوشت بگویم.»
مرد پیش استاد رفت و گوشتش را نزدیک دهان استاد برد. استاد آرام در گوشتش گفت: «ای مردک بی‌شعور! من از کجا بدانم نام زن شیطان چه بوده است؟!»
وقتی مرد از نزد استاد برگشت، بقیه دورش را گرفتند و گفتند: «استاد چه گفت؟»
مرد در حالی که گوش‌هایش سرخ شده بود، گفت: «هر که می‌خواهد بداند، باید خصوصی از خود استاد بپرسد.»



خودکشی شیرین

جوحا در کودکی شاگرد خیاطی بود. روزی استادش کاسه‌ای عسل به دکان برد. خواست که برای انجام کاری از دکان بیرون برود. به جوحا گفت: «در این کاسه زهر است. اگر بخوری، مسموم می‌شوی و می‌میری.»
جوحا گفت: «من با آن، چه کار دارم؟»
وقتی استاد رفت، جوحا تکه‌ای از پارچه‌ی استاد را به نانوا داد و تکه‌نانی از او گرفت و با آن تمام عسل را خورد. استاد برگشت و تکه‌پارچه را خواست. جوحا گفت: «مرا زن که راستش را بگویم.»

استاد گفت: «بگو.»

جوحا گفت: «یک لحظه حواسم پرت شد، دزد تکه‌پارچه را دزدید. من ترسیدم که بیایی و مرا بزنی، گفتم زهر را بخورم، تا تو بیایی بمیرم. همه آن زهر را که در کاسه بود خوردم و هنوز زنده‌ام. باقی‌اش را خودت می‌دانی.»

مثل بچه‌ی آدم

کسی پیش حاکم رفت. دید حاکم روی تخت نشسته است و بقیه پایین تخت ایستاده‌اند.
گفت: «سلام بر خدا.»
حاکم گفت: «من خدا نیستم.»
گفت: «سلام بر فرشته خدا جبرئیل.»
حاکم گفت: «من فرشته خدا نیستم.»
گفت: «سلام خدا بر پیامبر خدا.»
گفت: «من پیامبر خدا هم نیستم.»
گفت: «پس اگر نه خدا هستی، نه فرشته‌ی خدا و نه پیامبر خدا، چرا رفته‌ای تنها آن بالا نشسته‌ای؟ تو هم بیا پایین و بین بقیه‌ی آدم‌ها بنشین.»

شنای ادبی

ادبی در کشتی نشسته بود. از کشتیبان پرسید: «تو چیزی از علم ادبیات می‌دانی؟»
کشتیبان گفت: «نه.»
ادیب گفت: «نیم عمرت برفنا شد.»
روز بعد تندباد شد و کشتی در حال غرق شدن بود.
کشتیبان از ادیب پرسید: «تو چیزی از شنا کردن می‌دانی؟»
ادیب گفت: «نه.»
کشتیبان گفت: «پس همه‌ی عمرت برفنا شد.»

بهترین باش!

مهران نعمت‌اللهی

نام پویا نمایی: زوتوپیا (zootopia)
سال ساخت: ۲۰۱۶
کارگردان: بایرون هاوارد
نویسنده: جرید بوش، فیل جانستون
شرکت‌های سازنده: پیکسار
جوایز: برنده جایزه گلدن گلوب بهترین فیلم پویانمایی
در سال ۲۰۱۶



داستان پویانمایی

این فیلم داستان خرگوشی را روایت می‌کند که در سر سودای پلیس شدن را دارد و با وجود اینکه همه بخاطر نداشتن شرایط (جثه‌ی کوچک‌تر نسبت به بقیه‌ی افراد پلیس) او را از این کار منع می‌کنند، با اراده و تلاش خستگی‌ناپذیر و گذراندن مراحل دشوار به خواسته خود می‌رسد.



نقد فیلم

پویانمایی زوتوپیا با داستان جذابش، ساختار نوآورانه‌اش و چیدمان درست عناصرش تبدیل به یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای جهان شد، سوژه متمدن‌شدن حیوانات و زندگی کردن در شهر با رعایت قوانین آن‌جا اگرچه سوژه‌ی نویی نیست ولی در پرداخت آن به قدری خلاقیت صورت گرفته که مخاطب اصلاً فکر نخواهد کرد که چنین شهری را قبلاً دیده باشد.



نکات آموزشی فیلم

در فیلم یک خواسته به‌عنوان سنگ بنای داستان در نظر گرفته شده و آن اراده‌ای است که هر فرد در زندگی باید در خود داشته باشد تا به هدفی که در ذهن ترسیم کرده برسد و دیگر مهم نیست که او کیست فقط نکته مهم آن است که او چه می‌خواهد. روی صحبت با آموزگاران گرامی است. در این سال‌ها چقدر با دانش‌آموزان در مورد انگیزه‌هایشان صحبت کرده‌اید، برای بالا بردن اعتماد به نفسشان آیا کاری انجام داده‌اید؟ چقدر به این نکته اعتقاد دارید که فقط داشتن دانش صرف برای به تعالی رسیدن فرد کافی نیست و باید تکنیک‌های دیگری هم در زندگی علاوه بر آن بیاموزد مقوله‌ی آشنایی با روان‌شناسی دانش‌آموزان بسیار مهم و حساس است. امروزه هر معلم باید یک روان‌شناس خوب هم باشد تا بتواند با تک‌تک دانش‌آموزان با خلق و خوی متفاوت ارتباط برقرار کند. باور اینکه «تو می‌توانی هر کاری را انجام بدهی» و «باید توانایی‌اش را در خودت بیابی»، بدون آشنایی معلم با علوم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و آی‌تی امکان‌پذیر نیست.



بن بست مدرسه

مهدی ولیزاده



می‌کند؛ بچه‌ها را بیشتر بشناسد و کاری کند که بچه‌ها هم او را بشناسند. ولی گویا این شرایط جدید و آزادتر برای بچه‌ها تازگی دارد. آن‌ها نمی‌توانند آن آزادی را که در این کلاس به آن‌ها داده شده است بی‌خیال شوند. رفته رفته، هم آن‌ها و هم معلم، نسبت به آینده‌ی این کلاس و هدف آنکه اجرای نمایشی در پایان سال تحصیلی بود، ناامید می‌شوند. دو معلم دیگر نیز از کلاس‌های خودشان می‌گویند و چالش‌هایشان با بچه‌ها. این را که در آخر معلم‌ها تسلیم می‌شوند و کنار می‌کشند یا به مسیر ادامه می‌دهند، به امید روزی که بتوانند تغییری ایجاد کنند، در فیلم اصلی ببینید! فیلم کمتر از سی دقیقه است و پارسال از شبکه‌ی افق پخش شده و حالا می‌توانید آن را در سایت‌های اشتراک فیلم هم پیدا کنید. سؤال مهم این است که اگر بچه‌ها از سال‌های ابتدای تحصیل به شرایط مطلوب عادت داشته باشند، در دوره‌های بعد تحصیلی، در مواجهه با کمی آزادی، مثل برده‌های تازه از بند رها شده رفتار می‌کنند یا نه؟! آدم‌ها وقتی بزرگ می‌شوند خودِ کوچکیان را فراموش می‌کنند. بچه بزرگ می‌شود، خودش والد می‌شود و یادش می‌رود که وقتی کوچک بود، از اینکه والدینش هیچ وقت خودشان را جای او نمی‌گذارند، چقدر ناراحت بود. یک کارمند وقتی رئیس می‌شود، فراموش می‌کند وقتی پست پایین‌تری داشت، از اینکه بالادستی‌هایش هیچ وقت خودشان را برای لحظه‌ای جای او و مشکلاتش نمی‌گذارند، چقدر ناراحت بود. قدرت انگار مثل چماقی است که به سر آدم می‌خورد و حافظه را پاک می‌کند. سختی‌های مسیر یاد آدم می‌ماند، ولی انگار احساسات و انتظارات از رفتار بزرگ‌ترها از یادمان می‌رود. اینکه وقتی کوچک بودیم دوست داشتیم چطور با ما رفتار شود.



همه‌ی معلم‌ها روزی بچه بوده‌اند. زمان دبستانتان را یادتان هست؟! پشت میزهایی مثل میز دانش‌آموزانتان می‌نشستید و ابعاد کلاس‌هایتان چندان فرقی با ابعاد کلاس‌هایی که الان اداره‌اش را به‌دست گرفته‌اید نداشت، کتاب‌ها کمی تغییر کرده‌اند ولی نه آن قدر که بچه‌های این نسل را از بچه‌های نسل‌های قبل چندان متمایز کنند. تنها پارامتری که شاید در کلاس‌های امروزی - نه در خارج کلاس! - تغییر کرده است، معلم‌ها هستند. معلم‌های الان قطعاً در زمان دانش‌آموزی، وقتی که شاید با تحقیر و توهین معلمی رو به رو می‌شدند، در ذهنشان تصویری از معلم ایده‌آل داشته‌اند و با بزرگ‌تر شدن و رفتن به سمت این شغل، سعی می‌کرده‌اند شبیه تصویر معلم معرکه‌ای که در سر داشتند بشوند. برای شما اینطور نبوده است؟!



مستند شیرین «بن‌بست مدرسه» در مورد سه تا از این معلم‌هاست؛ معلم‌هایی از نسل جدید که سعی می‌کنند تغییری به فضای مدرسه بدهند و نگذارند کودک درون بچه‌ها بمیرد. فیلم از زبان یکی از آن‌ها روایت می‌شود. کسی که برای اولین بار به عنوان معلم تئاتر وارد مدرسه‌ی بچه‌ها می‌شود و کلاسی با عنوان «کلاس تئاتر درمانی» راه می‌اندازد. او می‌داند بچه‌ها چه فشارهایی را تحمل می‌کنند. سعی می‌کند با تئاتر کاری کند بچه‌ها مشکلاتشان را نشان دهند و آن‌ها را بازی کنند. برای مثال، یک‌جا بچه‌ها قرار است به نوبت نقش معلم را بازی کنند. اولین چیزی که همه‌ی آن‌ها موقع معلم شدن نشان می‌دهند، «خراج یکی از بچه‌ها از کلاس است.» به نظر شما این تصویر درستی است که دانش‌آموز از معلمانش دارد؟ راوی که هم کارگردان کار است و هم معلمی که در فیلم کلاسش را می‌بینیم، روش‌های متفاوتی را برای تدریس امتحان می‌کند، روش‌هایی را برای دایر کردن کلاسی متفاوت و مفید، او سعی

صفحه‌ی همراهان ما، انعکاس بخشی از تماس‌های مخاطبان ماه‌نامه است. کارشناسان مطالب ارسالی را بررسی می‌کنند؛ و مطلب در صورت تأیید، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

۱. **علی‌رضا اکبرزاده نشلی؛** آموزگار - مازندران
«خلاقیت در کلاس»
۲. **سیدمحمد فاطمی؛** آموزگار - اصفهان
«چگونه توانستم عزت نفس دانش‌آموزان کلاس خود را افزایش دهم؟»
۳. **فاطمه قدرتی راد؛** اسلامشهر
«تواوری در سازمان»
۴. **محمد محمدرضاخانی؛** راهبر آموزشی و تربیتی - ناحیه ۲ کرمان
«اهمیت اجرای طرح شهاب در مدارس»
۵. **خاتون رنجبر بیرانوند؛** آموزگار - منطقه ۱۶ تهران
«خاطره‌نویسی»
۶. **حسین باقری؛** معاون آموزشی - بوشهر
«روش تفریقی یکی از راهکارهای تقویت خلاقیت در کلاس توسط معلمان و مدارس»
۷. **نجمه عابدینی و علی محمد عابدینی؛** آموزگار - یزد
«بررسی تأثیر برنامه‌ی درسی پنهان در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان»
۸. **علیرضا سودمند؛** آموزگار - کردستان
«درخت دوستی»
۹. **وحید منظوری؛** آموزگار - البرز
«تجربه‌ی درسی»
۱۰. **نقی کاظمی و سیده‌زهرا سجادی‌پور؛** آموزگار - مازندران
«تبیین روش‌های تدریس با رویکرد قصه و قصه‌گویی»
۱۱. **سمیه هاشمی؛** آموزگار - قزوین
«عوامل مؤثر بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان»
۱۲. **بهرام قاسمی‌نژاد؛** مدیر دبستان - کرج
«به سوی صلح جهانی با ادبیات و هوش‌های چندگانه در مدرسه»
۱۳. **مجتبی دهدار؛** شاهین‌شهر
«نقد طرح‌های اجرا شده مقطع ابتدایی»
۱۴. **سیدامیر کهنه‌پوشی؛** نماینده معلمان دبستان اقبال - مریوان
«مطالعه‌ی فرایند آگاهی»
۱۵. **حیدر احمدی ورزنده؛** آموزگار - اصفهان
«خشونت از کجا نشأت گرفته است؟»
۱۶. **سعید چگنی؛** آموزگار - بروجرد
«آموزش به کمک تغییر رفتار»
۱۷. **یوسف منتشلو؛**
«مهارت خواندن - درک و فهم زبان فارسی»
۱۸. **سیدعلی عبداللّهی حسینی؛** مازندران
«طعم یادگیری از طریق پرسش‌های پیگیر»
۱۹. **حجت صادقی خلیل‌آباد و مریم مرادیان؛** خراسان رضوی
«نقش بازی در پرورش خلاقیت کودکان»
۲۰. **محمدامین محمدی؛** مدیر دبستان، اسلامشهر
«بررسی نقش فناوری‌های نوین در بهره‌وری منابع انسانی در مدارس ابتدایی پسرانه از دیدگاه مدیران اداره‌ی آموزش و پرورش شهرستان اسلامشهر»
۲۱. **محمد نوری و سیده نسرین علوی؛** ناحیه ۱ اردبیل
«بررسی موانع و مشکلات درس‌پژوهی و ارائه‌ی راهکارها»
۲۲. **فاطمه سلطانی و سیدجعفر شاه‌نوری؛** آموزگار - مازندران
«عنوان چرایی درس‌پژوهی؟»
۲۳. **هایده ابراهیمی؛** آموزگار - کردستان
«موانع موجود در فرایند درس‌پژوهی و ارائه‌ی راهکارهای مقابله با آن در مدرسه»

شرایط ارسال مطلب و مقاله

ماه‌نامه‌ی رشد آموزش ابتدایی آثاری را بررسی می‌کند که در یکی از دسته‌های زیر باشد:

مطالب عمومی

۱. **خاطره:** معلمان محترم می‌توانند خاطرات تلخ و شیرین خود را برای درج در ماه‌نامه بفرستند. خاطره باید به مدرسه، درس، دانش‌آموز و روابط معلم و شاگرد مربوط باشد.
۲. **تجربه:** معلمان محترم می‌توانند تجربه‌های خود را در زمینه‌های آموزشی و تربیتی برای مجله بفرستند. تجربه‌های خلاقانه که معلمان تازه‌کارتر را راهنمایی کنند، در اولویت چاپ قرار می‌گیرند.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد کودک** برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی
- رشد نوجوان** برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی
- رشد دانش‌آموز** برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد نوجوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد پسران** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول
- رشد جوان** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم
- رشد بزرگسال** برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

۳. داستان: سوزنه‌های داستان‌ها باید در حوزه‌ی معلمی و دارای مضمون‌های اخلاقی و پرورشی باشند. البته می‌توانند به زندگی خارج از مدرسه‌ی معلم نیز مربوط باشند.

۴. خبر و گزارش فعالیت: اخبار و گزارش فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، به شرط اینکه تازه و بدیع باشند و به امور روزمره، مثل اردو و شرکت در نماز جمعه و راهپیمایی و نظایر آن‌ها مربوط نباشد.

مطالب تخصصی

مقاله: ماهانه از مقاله‌های معلمان پژوهشگر استقبال می‌کند. اما شرایط پذیرش مقاله به شرح زیرند:

۱. به موضوعات جدید و مسائل نوین آموزش و پرورش مربوط باشد.
۲. در صورت لزوم با عکس و جدول‌های لازم همراه باشد.
۳. در قالب مقالات دانشگاهی نباشد.
۴. حداقل ۵۰۰ کلمه و حداکثر ۲۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.
۵. مقاله‌های کپی‌شده سریع تشخیص داده و دور ریخته می‌شوند.
۶. چکیده‌ی مقاله در حداکثر ۲۰۰ کلمه با مقاله همراه شود.
۷. منابع تحقیق به ضمیمه‌ی مقاله ارسال شوند.
۸. عنوان شغلی نویسنده درج شود. ممکن است مدارک لازم درخواست شود.

نکات دیگر

تحقیقات و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برای این مجله نفرستید. شما باید بتوانید کل مطلب پژوهش خود را در قالب مقاله‌ای ژورنالیستی و با رعایت حجم گفته شده تنظیم و ارسال کنید. از آنجا که مطالب هر شماره از ماهانه سه ماه قبل از انتشار کامل می‌شوند، لطفاً پس از ارسال مقاله برای نتیجه‌ی آن صبوری کنید و تلفن دفتر مجله را اشغال نکنید. ممکن است مطالب ارسالی شما در سال بعد استفاده شوند.

ماهانه تعهدی در قبال انتشار مقاله‌ی شما ندارد. هر چه مقاله‌ای محکم‌تر، مستدل‌تر و بروزتر باشد، اقبال بیشتری برای انتشار آن وجود دارد.

ماهانه در انتخاب، تلخیص و ویرایش مطالب منتخب خود آزادی کامل دارد.

در صورت ارسال با ایمیل، در بخش موضوع ایمیل نام مقاله و نویسنده ذکر شود. شماره تلفن و نشانی در اصل مقاله تایپ شود. متن خود را در قالب فایل Word به ایمیل الصاق کنید. فایل PDF نفرستید.

برای آثار ترجمه‌ای، لطفاً متن زبان اصلی اثر را همراه فایل ترجمه، به ایمیل ضمیمه کنید و مختصری از زندگی‌نامه و آثار دیگر نویسنده‌ی اصلی را هم بفرستید.

یادآوری مهم: مطلب و مقاله‌ای که شرایط فوق را نداشته باشد، بررسی نمی‌شود.

تمدید تا پایان اردیبهشت ۹۶

مسابقه‌ی مدرسه‌ی زیبای من «عکس و فیلم»

یکی از جنبه‌های مهم مدرسه‌داری، زیباسازی محیط آن است. تقریباً تمامی مدارس سعی می‌کنند با صرف هزینه، دیوارهای حیاط مدرسه یا سالن‌ها و در ورودی کلاس‌ها یا حتی خود کلاس‌ها را با طراحی‌ها و دیوار نوشته‌ها زیباتر کنند تا محیط آموزشگاه شاداب‌تر شود.

تعداد زیادی از مدیران و معلمان، خود صاحب ایده‌اند و تعدادی از نظر مشاوران گرافیک و طراح استفاده می‌کنند و عده‌ای نیز همچنان دنبال ایده می‌گردند.

در همین زمینه مسابقه‌ای داریم. در این مسابقه، شما می‌توانید از دیوارنوشته‌ها و طراحی‌های مدرسه‌ی خود عکس یا فیلم تهیه کنید و برای ما بفرستید. ضمن چاپ تصاویر برتر، به بهترین آن‌ها جایزه هم می‌دهیم.

حتی اگر کار هنری زیادی در دیوارها ندارید، آثارتان را بفرستید؛ شاید از نظر داوران ما، نکته‌ای در همان تصاویر وجود داشته باشد که بتواند امتیازی نصیب خود بکند.

نکته‌ها

۱. این مسابقه‌ی عکاسی نیست که به کیفیت عکس جایزه بدهیم. پس با همین موبایلی که در دست دارید و یا با یک دوربین عکاسی معمولی عکس بگیرید یا فیلم تهیه کنید.

۲. محتوا و کیفیت مطالب طراحی شده برای ما اهمیت بیشتری دارد.

۳. عکس و فیلم فقط از مدارس ابتدایی پذیرفته می‌شود.

۴. فرصت ارسال آثار تا پایان اردیبهشت‌ماه ۹۶ است.

۵. جایزه به مدرسه تعلق می‌گیرد.

۶. تعداد برنده‌های اصلی سه مدرسه خواهد بود و به پنجاه مدرسه هدایایی تعلق می‌گیرد.

۷. بهترین تصاویر با ذکر نام مدرسه، مدیر و طراح، به تدریج در مجله به چاپ خواهند رسید.

نحوه‌ی ارسال:

ebtedayi@roshdmag.ir

ایمیل:

https://telegram.me/ebroshdmag

تلگرام:



رشدراک‌شد

نحوه‌ی اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه‌ی سه‌راه آزمایشی کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه‌ی اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۸۸۴۹۰۲۳۳۳ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

.....

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد:

♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

♦ استان:

♦ خیابان:

♦ پلاک:

♦ شماره فیش بانکی:

♦ مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱۵۵/۴۹۷۹

♦ تلفن بازگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال



بهترین معلم کسی است

که به دانش آموزش یاد می دهد

به جفا نگاه کند

نه اینکه چه چیزی را ببیند.

اندیشه ی معلمی

معلم خوب

دست ها را می گیرد

ذهن ها را وسعت می دهد

و قلب ها را لمس می کند.

يك معلم خوب

هرگز از

یاد گرفتن

دست نمی کشد.

يك معلم خوب مثل شمع می ماند؛

خودش ذوب می شود

تا برای دیگران

روشنایی راه باشد.

دانش آموزان ممکن است

آنچه را که از شما شنیده اند

فراموش کنند

اما احساسی را که به آنها
داده اید.

هرگز فراموش نمی کنند.

خودت را بکش بالا، کنار تو هستم تا قد بکشی!

